

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه تروریسم و علیه اتاق گاز اسلامی! خامنه ای بی ریشه،

ایران آشویتسی نمیشه!

صفحه ۳

اول مه در دوره انقلابی

نوبت کارگران است!

صفحه ۴

سیاوش دانشور

حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی!

صفحه ۵

ملکه عزنی

نامه سپیده قلیان در جواب به قوه قضائیه

صفحه ۶

همبستگی با روز جهانی کارگر مهم است اما کافی نیست!

صفحه ۷

هلاله طاهری

کمونیست می پرسد

از عبدالله دارابی و همایون گدازگر

صفحه ۸

در مورد دستمزد

یک درس پایه ای اول مه

سخنی با فعالین کمونیست جنبش کارگری

صفحه ۱۱

رحمان حسین زاده

اسکاندال "دالایی لاما" با یک پسر بچه

صفحه ۱۳

سعید یگانه

۶۹۴

همبستگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۵ فروردین ۱۴۰۲ - ۱۴ آوریل ۲۰۲۳

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران

- حکمتیست

اول مه: تجسم کشمکش دو

قطبی کارگر و سرمایه دار

اول مه است، روز اتحاد جهانی طبقه کارگر و ندای قدیمی و ضروری کارگران جهان متحد شوید. در این روز در مقابل نگاه میلیارد ها انسان در اقصی نقاط جهان، تفاوت پایه ای دو طبقه و دو جنبش و دو صف متمایز در مقابل هم برجسته میشود.

در روز جهانی کارگر در بسیاری از کشورها و شهرها از یک طرف شاهد مارشها و میتینگهای کارگران و انسانهای کارکن و معترض به استثمار و ستم سرمایه داری و در صف مقابل شاهد مقاومت و ایستادگی دولتها و دم و دستگاه سرکوبگر حافظان نظم سرمایه هستیم. به وضوح واقعیت دو قطبی متمایز و ریشه دار متقابل بورژوازی و پرولتاریا و متحدانش را در جهان شاهدیم.

پروپاگاندا قطبها و دولتهای کاپیتالیستی و ایدئولوگها و مبلغان موجب بگیریشان برای حقنه کردن جهان چند قطبی کاپیتالیستی بی ثبات و سیال در خدمت به حاشیه راندن واقعیت کشمکشهای مستمر طبقاتی و سیاسی آشکار این دو قطب متخاصم طبقاتی است.

براین اساس در عصر فراوانی و پیشرفت سرسام آور صنعت و تکنولوژی و جهانی شدن سرمایه، شاهد گسترش شکاف حاد فقر و ثروت هستیم. تحمیل دایمی فقر میلیاردی و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست اقلیت معدود سرمایه داران متکی به دولت و کل ابزارهای سرکوب خصلت پایه ای و سبعانه نظم استثمارگر سرمایه داری است. علیه این وضعیت و ستمگری سرمایه تشدید جدال طبقاتی و سیاسی گاه نهمان و عمدتاً آشکار اجتناب ناپذیر است. **صفحه ۲**

اخبار کارگری و حرکت های اعتراضی
تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش
کلهر
اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و
کمونیست

در صفحات دیگر
یادداشت های سیاوش دانشور،
اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست
،اعلامیه شورای نیروهای چپ و کمونیست در
کردستان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اول مه: تجسم کشمکش دو قطبی کارگر و

سرمایه دار

اول مه فراخوانی است به طبقه کارگر جهانی با اتحاد و تشکل و تحزب خود این دنیای وارونه را بر قاعده اش بگذارد. به سطره نظم سرمنشأ استثمار و ستم و جنگ و فجایع نظام کاپیتالیستی پایان دهد.

دولتهای سرمایه داری در همه کشورها زدن بیسابقه دستمزدها و تحمیل ریاضت کثی اقتصادی و سلب اعمال اراده مستقیم طبقه کارگر را به سیاست معمول خود تبدیل کرده اند. همزمان با هجوم اقتصادی معیشتی، عقب گردهای فکری و سیاسی و فرهنگی را تحمیل میکنند. بالا گرفتن جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و ناسیونالیسم و راسیسم و فاشیسم، و گسترش تروریسم افسار گسیخته و جنگ و کشتار تا پایمال کردن حقوق اولیه انسان و سقوط شأن فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیونها انسان لازمه ادامه حیات انگلی نظم سپاه سرمایه است. اول مه فرصتی جهانی برای به مصاف کشیدن این نظام سراپا جنایت است.

در یکسال گذشته ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی در کشورهای اروپایی و چهارگوشه جهان، عکس العملی ضروری و برحق در مقابل تعرض افسار گسیخته بورژوازی بود. به ویژه اعتصابات و اعتراضات کوبنده و قدرتمند کارگران و مردم آزادیخواه فرانسه و ارث کمون پاریس در دو ماهه اخیر نوید بخش دور تازه ای از نبرد طبقاتی با قطب نمای برچیدن بساط نظم سراپا فاجعه بار کاپیتالیستی در قلب اروپای غربی است. این نبرد و مبارزه درخشان موجب ترس و نگرانی حاکمان بورژوازی در فرانسه و اروپا و جهان شده است. مبارزات قهرمانانه کارگران فرانسه علیه سرمایه داری الگویی است که طبقه کارگر جهانی در مبارزات خود در کشورهای مختلف از تجارب و درسهای آن باید بیاموزند و در اعتراضات خود بکارگیرند و عمیقاً از آن حمایت کنند.

آنچه غیرقابل انکار است بدون این صف بندیهای اعتراضی، دنیای موجود تاریکتر و غیر قابل تحملتر میبود. نبردهای اعتصابی و اعتراضی موجود علیرغم غیاب افق سوسیالیستی و تحزب کمونیستی لازمه ساقط کردن سرمایه داری و بنیاد نهادن نظم نوین کارگری و شورایی، در عین حال این واقعیت ریشه دار را یادآور میشود که، "زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکانپذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است."

امسال طبقه کارگر ایران در شرایط ویژه و انقلابی به استقبال اول مه میرود. خیزش انقلابی هفت ماهه اخیر بسیاری تجارب و دستاوردهای رادیکال را به دست داده و تناسب قوای مساعدتری را برای ابراز وجود کارگری و توده ای در یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر فراهم کرده است. براین اساس توقع و انتظار اینست جنبش کارگری و رهبران و پیشروان آن همانند نیروی رهبر تحولات مبارزاتی و سکانداران به دست گرفتن سرنوشت جامعه به میدان آیند. پرچم آزادی و برابری و رهایی جامعه را به دست بگیرند. کيفرخواست سراسری و

کوبنده کارگری را علیه نظم موجود سرمایه داری نمایندگی کنند. صفوف طبقه کارگر و اردوی کار را علیه شندرغاز مستمری تحقیرآمیز تعیین شده توسط جمهوری اسلامی تحت نام "دستمزد حداقل" و برای تحقق "دستمزد مکفی و رفاه همگانی" متحد کنند. انتظار اینست در اجتماعات و سخنرانیها و قطعنامه های کارگری بر دستاوردهای رادیکال خیزش انقلابی هفت ماهه و بر همبستگی و اتحاد مبارزاتی مهمی که در اعتراضات و جنبشهای اجتماعی رادیکال در این مدت به وجود آمده پافشاری کنند. بر تداوم اعتراضات برحق علیه تضییقات اقتصادی و سیاسی، علیه دستگیریها و سرکوب، علیه بازداشت و به اسارت گرفتن فعالین کارگری و توده ای و بر آزادی فوری همه زندانیان سیاسی تاکید شود. در اول مه امسال جامعه را باید فراخوان داد در مقابل فاجعه بکارگیری گاز شیمیایی علیه فرزندانمان در مدارس ایستاد. با اعتراضات اجتماعی و گسترده جمهوری اسلامی و عوامل آن را از این جنایات فاشیستی و شبهه نازیستی پشیمان کرد.

نهایتاً در اول مه اعلام کنیم، اگر سکان اداره جامعه به دست ما کارگران افتد، با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، آزادی، برابری، رفاه همگانی همه شهروندان را تامین میکنیم. اگر حاصل کار خود ما، تولیدات و ثروت جامعه در اختیارمان باشد، دنیای بهتر و زندگی بهتری را ایجاد میکنیم. اگر قدرت دست ما کارگران باشد، با همین پول و ثروتی که هزینه دم و دستگاه عربض و طویل دولتها و پارلمانها و ارتشها و نیروهای سرکوبگر نظامی و جنگها و نهادها و موسسات خرافه مذهبی و ملی و غیر مذهبی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری موجود را فوراً پایان میدهیم و زندگی شایسته انسان امروزی برای همه شهروندان جامعه را تامین میکنیم.

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ فروردین ۱۴۰۲ - ۱۳ آوریل ۲۰۲۳

در اول مه

علیه سرمایه داری بپاخیزیم!

ما کارگران هرچه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود! هرچه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود، زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود! در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند!

کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه زندگی و عواطف ما کارگران است! سرمایه داری با تشدید فشار کار و کاهش دستمزدها، با بیکارسازی و ایجاد رقابت در صفوف ما، با گسترش کار فراردادی و افزایش ساعات کار، با تحمیل فقر مستمر و با موعظه توجیه این اوضاع، هستی ما کارگران را در چهار گوشه جهان گرو گرفته است!

کارگران! این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست! این نظام بدون جنایت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند! رهانی ما کارگران در گرو انقلاب علیه سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه است! در اول مه باید خست خست کاختهای قدرت بورژوازی را بلرزانیم!

در اول مه باید فریاد زنییم؛ نابود باد سرمایه داری! یک دنیای بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۳

www.hekmatist.org

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در اول مه

علیه سرمایه داری بپاخیزیم!

ما کارگران هرچه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود! هرچه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود، زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود! در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند!

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه تروریسم و علیه اتاق گاز اسلامی!

خامنه ای بی ریشه، ایران آشویتس همیشه!

امروز دوشنبه ۲۱ فروردین تا ساعت ظهر، خبر #حمله شیمیایی به مدرسه تیزهوشان شهرک پردیس در #سنندج، یک مدرسه دخترانه در #ارومیه، دبیرستان دخترانه نرگس در #خوی و مدرسه دخترانه صدر در شهر #کرج منتشر شدند. طی این حملات دهها دانش آموز و کودکان ما مسموم و به بیمارستان منتقل شده اند. دیروز یکشنبه ۲۰ فروردین تنها در #سقز شش مدرسه دخترانه طالقانی، سمیه، معراج، بنت الهدی صدر، استقلال و عصمت بخش زرینه مورد #حملات سریالی شیمیایی قرار گرفتند که طی آن حداقل ۴۷ دانش آموز بیمارستانی شدند که وضعیت بیش از ۲۰ نفر از آنها وخیم گزارش شده است.

مردم آزادیخواه سقز بالافاصله در واکنش به این حملات دست به اعتراض زدند، خیابانها را تسخیر و نیروی سرکوب را فراری دادند. مردم بدرست انگشت اتهام را به سمت مقامات رژیم نشانه میروند. دیگر نیازی به گمانه زنی وجود ندارد، حکومت برای دفاع از سنگر #حجاب طبق دستور خامنه ای بسیج شده و حمله #تروریستی به دانش آموزان دختر یک گوشه این نقشه کثیف و فاشیستی ضد زن است.

خامنه ای و حکومت اسلامی مدارس را به #اتاق گاز تبدیل کرده اند. این تکرار روش #هیتلر در اشکال رقیق تر و هشدار است. یعنی این ظرفیت را دارند که درجا دستجمعی بکشند و بسوزانند. هیتلر #یهودیان و #کمونیست ها را دستجمعی کشت و خامنه ای زنان را دستجمعی به خفگی و مرگ تهدید میکند. سکوت دولتهای جهان در باره این جنایت جمعی و معامله با حکومت اسلامی، بیانگر بی ارزش بودن «بشر» در قاموس بارگاه حقوق بشر در دنیای امروز است.

زنان و نسل جوان انقلابی!

علیه سیاست #تروریسم شیمیایی و #اتاق گاز اسلامی محکم بایستیم. مردم آزادیخواه در #سقز نمونه خوبی بدست دادند که ضروری است در هر گوشه ایران گسترده تر تکرار شود. جواب هر حمله یک ضد حمله و حمله متقابل است. هر مرکز و مقر و محل استقرار نیروهای حکومت را به یک هدف تبدیل کنیم. هر آخوند و عامل حکومتی هدف تعرض است. آگاهانه به هر چه «مقدسات» حکومت است حمله کنیم. عبا و عمامه و حجاب آتش بزنیم. همه جا علیه #فاشیسم اسلامی و #علی شیمیایی شعار بنویسیم. به خامنه ای هیتلر اسلامی بگوییم #ایران آشویتس همیشه! «این گوشه ای از نبرد انقلابی جامعه برسر آزادی های فردی و اجتماعی است. ما کوتاه نمی آئیم، #حکومت بچه کش نمیخوایم! #حجاب بی حجاب! پیروزی از آن ماست!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۱ فروردین ۱۴۰۲ - ۱۰ آوریل ۲۰۲۳

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

اقدام جنایتکارانه حمله شیمیایی به مدارس

در کردستان را بدون پاسخ نگذاریم!

با بازگشایی مدارس بعد از تعطیلات نوروزی، حملات شیمیایی به مدارس دوباره آغاز شده. دیروز تعدادی از مدارس در شهرهای سنندج سقز مورد حمله وحشیانه شیمیایی آتش به اختیارهای خامنه ای قرار گرفتند. در روزهای قبل نیز تعداد دیگری از مدارس در شهرهای ارومیه، پیرانشهر، تبریز و اصفهان مورد هجوم نیروهای ددمنش جمهوری اسلامی قرار گرفتند و تعداد زیادی از دانش آموزان مسموم و روانه بیمارستان شدند.

بعد از ماهها اقدام به حمله شیمیایی به مدارس تردیدی نیست که این عمل جنایتکارانه بخصوص به مدارس دخترانه، کار جمهوری اسلامی و مستقیماً از بیت خامنه ای قاتل هدایت می شود و توسط آتش به اختیارهای بیت رهبری به اجرا در می آید. این حملات طوریسازمانده می شوند که بعد از حمله، بلافاصله آمبولانس ها در محل آماده و از ورود اولیای دانش آموزان توسط نیروهای امنیتی به داخل مدارس جلوگیری به عمل می آید.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که حملات شیمیایی به مدارس، انتقامجویی و پاسخ جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای جنایتکار به اعتراض و مبارزه بر حق زنان علیه خفقان، حجاب و پوشش اجباری است که جمهوری اسلامی را بطور جدی تحت فشار گذاشته. علاوه بر این ممکن با ایجاد ترس و وحشت، دستگیری و جریمه، زنانی که حجاب را دور انداخته اند دوباره وادار به تمکین به آپارتاید جنسی و رعایت حجاب اسلامی نمایند. تلاش می کنند مبارزه جانانه ای را که زنان آزادیخواه با حجاب سوزان و زیر پا گذاشتن همه مقدسات مذهبی و خط قرمزهای جمهوری اسلامی آغاز کردند را در نطفه خفه کنند و دیگری از سرکوب و خفقان را بر جامعه تحمیل کنند.

دیروز در شهر سقز مردم در مقابل این جنایت دست به اعتراض زدند و امروز در ادامه اعتراض شهر در اعتصاب عمومی به سر می میرد.

پاسخ مردم آزادیخواه و انقلابی در همه شهرهای کردستان در مقابل این جنایات سازمان یافته باید یک اعتراض همه جانبه و رادیکال باشد. لازم است مردم سایر شهرها در ادامه خیزش تاکنونی در اعتراض به این جنایت همانند مردم سقز دست به اعتراض و اعتصاب بزنند. اجازه ندهیم امنیت و سلامت فرزندانمان توسط مشتی اوباش امنیتی و آتش به اختیار به بازی گرفته شود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست از مردم شهرهای کردستان میخواهد علیه این جنایت سازمان یافته که مستقیماً از طرف حکومت هدایت می شود متحدانه دست به اعتراض بزنند.

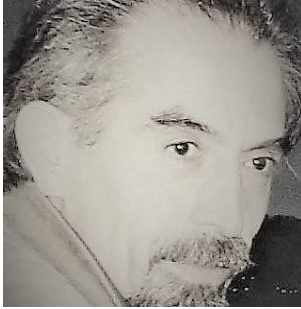
سرنگون باد رژیم جنایتکار اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ آوریل ۲۰۲۳

شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!



اساسی در لحظه حاضر اینست که پیشروان طبقه گامی انقلابی بردارند تا جنبش طبقه کارگر مکان سنگین تری در سیاست و در ذهنیت جامعه انقلابی پیدا کند. بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی مستلزم اینست که کارگر بعنوان یک اکتور اجتماعی تعیین کننده در محور سیاست سراسری قرار گیرد و بعنوان یک جنبش طبقاتی متمایز به امید مردم برای سرنگونی حکومت و آزادی جامعه تبدیل شود. برای اینکه این امر حاصل شود از جمله کارگران باید روی مهمترین سوال جامعه و اکثریت مردم زحمتکش دست بگذارند؛ یعنی علیه فقر و فلاکت عمومی متحدانه بپاخیزند.

اول مه امسال در متن خیزش انقلابی میتواند به روزی ماندگار و نقطه عطفی در سیاست ایران بدل شود. اول مه روز ابراز وجود طبقاتی و اعلام کيفرخواست طبقه کارگر علیه بربریت سرمایه داری است.

در تدارک اول مه و چند تاکید ضروری

- ۱- هدف برپائی مراسمهای مستقل و گسترده کارگری است. موانع را از سر راه برداریم، هماهنگی لازم در سطح رشته ها و مراکز کار صنایع مختلف در شهرک های صنعتی ایجاد کنیم. اول مه و برگزاری گسترده آن را به یک هدف تبدیل کنیم.
 - ۲- اول مه تعطیل است. تلاش کنیم که مراسمهای روز کارگر بیرون محل کار و اساسا در مراکز مهم شهرها و محلات کارگری با حضور خانواده های کارگری برگزار کنیم.
 - ۳- برپائی مراسم اول مه مجوز نمیخواهد. برگزاری روز کارگر حق انکارناپذیر کارگران است. کارگران همواره از آزادی بیقید و شرط بیان و تشکل و تحزب و اعتراض و اعتصاب دفاع کرده اند.
 - ۴- تحریم قاطعانه مراسمهای دولتی و مشخصا برنامه های خانه کارگر و شوراها اسلامی. اول مه روز کارگر است، تریبونها در اینروز باید در دست کارگران باشد.
 - ۵- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازداشتی های خیزش انقلابی، مختومه اعلام کردن پرونده های قضائی و پایان دادن فوری به احضارها و اعمال فشار به کارگران و فعالین سیاسی را تاکید کنیم.
 - ۶- در اول مه ضروری است که کارگران از موضع رهبر آزادی جامعه ظاهر شوند. به مسائل مهم اکثریت مردم زحمتکش در دوره انقلابی عطف توجه داشته باشند و قطعنامه های کارگران بیان بسیج توده های طبقه کارگر و جامعه حول پرچم ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر علیه وضع موجود باشد.
- مجموعه شرایط و اوضاع و احوال نیروهای درگیر براین واقعیت تاکید دارد که در سیاست ایران اینبار نوبت کارگران است.

۱۳ آوریل ۲۰۲۳



اول مه در دوره انقلابی

نوبت کارگران است!

سیاوش دانشور

اول مه ۲۰۲۳-۱۴۰۲ در اوضاع جهانی و داخلی مشخصی برگزار میشود. سال گذشته جهان زیر فشار جنگ در اوکراین تماما به موضع دفاعی افتاده بود. امسال وضعیت متفاوت و از جهاتی برای طبقه کارگر بسیار مساعد است. در سطح جهانی گردانهای طبقه کارگر در جنگ و اعتصاب و اعتراض علیه سرمایه داری اند. در قلب اروپا و آمریکا مخالفت کارگران با تحمل بار گرانی و تشدید فقر توده های میلیونی طبقه کارگر بالا گرفته است. اعتصابات کارگری در کشورهای مهم اروپا فصل جدیدی از کشمکش برسر حال و آینده جوامع را باز کرده است. تقابل با سیاستهای ریاضت اقتصادی با تقابل با سیاستهای جنگ طلبانه و میلیتاریستی پیوند خورده است. کارگران نمیخواهند هزینه جنگ سرمایه داران را بپردازند و خواهان توقف این جنگ ارتجاعی اند.

اعتصابات و اعتراضات گسترده و توده ای در فرانسه علیه طرح افزایش سن بازنشستگی مکرون، سنگر اول اعتراضات کارگری اروپا است که بدنبال اعتصابات بزرگ در انگلستان در سال گذشته، با تحریک اعتصابی در آلمان، ایتالیا و یونان همراه شد و چشم انداز گسترش آن در ماههای آتی وجود دارد. در دیگر کشورهای صنعتی اعتصابات کارگری برای افزایش دستمزدها و اعتراض به خصوصی سازی و پیامدهای آن گسترش می یابد و اعتصابات بزرگ و عمومی در کشورهای هندوستان و آفریقای جنوبی از موارد اخیرند. فضای عمومی تر در کشورهای سرمایه داری علیه سیاستهای انقباضی و ریاضتی و اعتراض علیه گرانی و ناامنی اقتصادی است. اول مه امسال فرصتی است که طبقه کارگر در کشورهای مختلف یکصدا علیه سرمایه داری و سیاستهای ریاضتی و میلیتاریستی تلاش کند.

امسال فرانسه و ایران یک ویژگی متمایز دارند که آوازه مبارزه شان جهان را درنوردیده است. در ایران خیزش انقلابی زن محور و آزادیخواه و برایی طلب جهان را تکان داده است. در فرانسه مبارزات قهرمانانه و میلیونی طبقه کارگر چهره اروپا را تغییر داده است. ایران و فرانسه از سنگرهای مهم مبارزه طبقاتی اند. در اول مه همه جا از سنگرهای انقلابی مان دفاع کنیم، پیروزی و شکست طبقه ما در هر نبرد و در هر سنگری در هر گوشه جهان، پیروزی و شکست کل طبقه کارگر جهانی است و پیروزی و شکست بورژوازی در هر نبرد و حوزه مشخصی، پیروزی و شکست کل طبقه بورژوازی محسوب میشود. در اول مه اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر باید خود را در جهت واحد ضد کاپیتالیستی در کشورهای مختلف و در حمایت از مبارزه انقلابی و کارگری در هر کشور تجلی یابد.

طبقه کارگر ایران در یک موقعیت ویژه تاریخی قرار دارد. از سوئی در متن یک خیزش انقلابی که تاکنون قربانیان زیادی از فرزندان کارگران گرفته است و از سوی دیگر با تعرض جدید بورژوازی به سطح دستمزد و معیشت خود در ابعاد گسترده روبرو است. جنگ جاری جامعه برای سرنگونی، توقع بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی توسط طبقه کارگر را بیش از هر زمان بجلو رانده است، و تهاجم به دستمزدها و دورنمای گسترش فقر و فلاکت اقتصادی، راهی جز مواجهه اساسی با این شرایط غیر قابل تحمل باقی نگذاشته است.

تحریک گسترده اخیر طبقه کارگر برسر مصوبه دستمزد درجه ای است که کارگران علیه فقر و فلاکت تحمیلی بمیدان بیابند. مسئله ای که به زندگی بیش از ۶۵ میلیون از نفوس آن جامعه مربوط است. محدودیت های عملی و سازمانی و شرایط و تناسب قوا همه روشن اند. مسئله

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!



در طی این سالها در ظاهر حرف و ادعای جمهوری اسلامی این بود که حجاب انتخاب زنان است، فاطمه الگوی زنان است و عفاف و حجاب سنگری در مقابل "دشمن های" خیالی که قصد حمله فرهنگی به ارزش های اسلامی را دارند، امروز اما ناچار شده اند آشکارا و در روز روشن با هر چه در توان دارند در مقابل یک جامعه به پا خاسته بایستند و با تهدید و ارباب روسری را بر سر زنان برگردانند. اما چه خیال باطلی!

آنچه که وضعیت امروز و روند اتفاقات نشان میدهد زنان قصد تسلیم شدن ندارند، نه زنان و نه مردانی که همراه و همسو با زنان ایستاده اند بنظر نمیرسد حاضر به یک قدم عقب نشینی باشند. در امکان عمومی امران به معروف را و اداری به عقب نشینی میکنند و برای تنبیه شان، دیگران به حمایت حجاب از سر بر میدارند. هر چه حلقه فشار و تضییق تنگتر می شود شهامت و پافشاری زنان بر عدم رعایت حجاب بیشتر می شود. جمهوری اسلامی در بازپسگیری سنگرهای از دست رفته پس از خیزش انقلابی اخیر ناتوان تر و مستاصل تر از هر زمانی است. خیزش انقلابی شهریور دو خصیصه بسیار متمایز نسبت به اعتراضات سالهای گذشته داشت، پیشقراولی و نقش زنان در رهبری اعتراضات در همه عرصه ها و ضدیت معترضین و انقلابیون حاضر در خیابان با سنتها و قوانین مذهبی اسلامی که حکومت مدام بر لایتغیر بودن آنها پافشاری میکرد. شکستن این دو سد دستاورد بزرگ خیزشی است که تابوهای تاکتونی را پوچ و بی اعتبار اعلام کرده و با صلابت نسلی که تصمیم ندارد زیر بار نابرابری و بی حقوقی و سرکوب برود "قوانینی" زیر پا نهاده شده که جمهوری اسلامی را با شوک غیر قابل تصویری رویرو ساخته. امروز تقابل مابین زنانی که حجاب را دور انداخته اند و حکومت ناتوان در مقابل این زنان به جایی رسیده که امثال معصومه ابتکار هم از نکوهش اجبار در حجاب و عدم خشونت در مقابل بیحجابی سخن می گویند!

سالهاست ما کمونیستهای ماگزیالیست میگوییم حجاب تنها یک تکه پارچه بی ضرر نیست، حجاب الگوی اسلام و نشان جمهوری اسلامی و بی حقوقی زنان است. سالهاست ما میگوییم جمهوری اسلامی وصله ناجوری بر تن جامعه ای است که کمترین ارزشی برای سنتهای ۱۴۰۰ ساله دینی قائل نیست، سالهاست میگوییم حجاب نشان آپارتاید جنسی علیه استقلال و موجودیت زنان است و امروز ثابت شد حق با ما بود. حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی است که توسط زنان معترض و برابری طلب ترک بسیار بزرگی برداشته که مطلقا قابل مرمت نیست. امروز بعد از اعلام جنگ یک حکومت مدعی اقتدار علیه زنان بدون حجاب روشن شد حجاب یکی از مهمترین پایه های این حکومت است که قیام علیه آن هزینه بردار است.

این مصاف بزرگ مابین باور به آزادی و اصرار بر عقب ماندگی، ارتجاع و تحقیر و بی حقوقی مصافی به پهنواری جامعه است که بعد از ۴۴ سال سرکوب و آزار و شکنجه امروز هر گوشه و کنارش یک نه بزرگ به کلیت حاکمیتی است که دیگر نه ابهت پوشالی قبل را دارد و نه قلعه قدرتمندی که از آنجا دستور کشتار و قلع و قمع بدهد. آنچه امروز میبینیم استیصال و دستپاچگی صاحبان قدرت است و خنده و شادمانی آنهایی که از اعماق به رو آمده اند. حکومتی که از سر عجز و ناتوانی و با کمال بیشرمی به مدارس دخترانه گاز شیمیایی پمپاژ میکند و برای حجاب جریمه ۳ میلیاردی تعیین میکند و هر سه قوه و رهبرش در تلاشند تا با بی حجابی مقابله کنند.

اما دیگر قادر به مقاومت و ایستادگی در مقابل عزم و اراده زنان و مردانی نیستند که بعد هر حمله و سرکوب به شکل و شیوه دیگری به میدان میایند و قدرت حکومتی را آشکارا به سخره میگیرند. افسانه پاسداری از هویت مقدس زن مسلمان دیگر رنگ و لعابی ندارد. زنان و مردان از ادیخواه علیه حجاب و مقدسات مذهبی به میدان

حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی

ملکه عزتی

جمهوری اسلامی در طی ۴۴ سال سرکوب و تحقیر و ترفندهای غیر قابل تصور، موفق نشد حجاب اسلامی را بعنوان پوشش به زنان تحمیل کند. زنان علیرغم برسرکردن روسری هرگز استانداردهای مورد نظر حکومت را رعایت نکردند، هرگز خود را در کفن سیاهی که انتخاب حاکمان و دست اندرکاران حکومتی بود نپوشاندند. خیل آخوند و امامان جمعه هر آنچه که به ذهن بیمار و متعفنشان میرسید علیه زنان "بد حجاب- بی حجاب" بکار بردند اما آنها همچنان راه خود را رفتند. دو مسیر موازی مابین زنان و حکومت که هرگز در هیچ جا به هم گره نخورد. از چاقو و پونز و تیغ تا اسید و توهین و زندان هر آنچه که در توان داشتند برای به زانو درآوردن زنان بکار بردند نه تنها نتیجه نداشت بلکه عرصه این جنگ هر روز گسترده تر میشد. همزمان با خیزش انقلابی در شهریور ۱۴۰۱ زنان پیشقراول در اعتراضات در اولین فرصت و امکانی که بدست آمد حجاب را به آتش کشیدند و شیشه عمر حکومت اولین ضربه کاری را در همان روزهای اول خیزش خورد.

در اکثر شهرها زنانی که حجاب از سر برداشته بودند با شوقی بیسابقه رقصیدند و پیروزی بر حاکمان را با رقص و شادی و لگد مال کردن حجاب جشن گرفتند. این تازه شروع انفجار آتشفشان خشمی بود که ۴۴ سال تحقیر و توهین و بی حقوقی و سلب اختیار از زنان را در خود داشت. همراهی و همسویی مردانی که در اعتراضات از آتش زدن حجاب حمایت کردند نشان داد همه آموزه های ضد زن جمهوری اسلامی و "فرهنگ سازی" ۴۴ ساله علیه زنان، علیه آزادی و برابری مشتی اراجیف است که در اولین مصاف و رویارویی به ضد خود تبدیل شد. در ایام نوروز حضور زنان در معابر و اماکن عمومی با لباسهایی که انتخاب خودشان بود چهره شهرها را به یکباره عوض کرد. رنگ های شاد و زنده لباسها بر خیابانها حاکم شد و شادی بر چهره زنان چنان آشکارا خودنمایی میکرد که حاکمیت تاب نیاورد.

اعلام جنگ مجدد جمهوری اسلامی علیه زنان بعد از سکوتی که در یکی دو ماه گذشته بر اعتراضات خیابانی حاکم شد، مجددا اوج گرفته. با سخنرانی خامنه ای و بکار گماردن رادان یکی از وحشی ترین و بدنام ترین چهره های نظامی در حکومت نبرد مابین زنان و جمهوری اسلامی یکبار دیگر اوج گرفت. با صدور اعلامیه وزارت کشور و نامه های ردوبدل شده مابین قوه قضایی و مجلس و بقیه ارگانهای سرکوب در حکومت روشن شد بقا و حیات جمهوری اسلامی به روسری زنان گره خورده. کل دستگاه حاکمیت با همه ادعای اقتدار و شکست ناپذیری بکار افتاد تا دوباره زنان را سرکوب کنند. لمپنهای مزدبگیرشان را روانه خیابانها کردند و اعلام کردند جریمه نقدی تا ۳ میلیارد تومان در انتظار زنان بی حجاب است. تهدید میکنند زنان بی حجاب خدماتی را که نیاز دارند نخواهند گرفت، میگویند هر مکانی که زنان بی حجاب را پذیرا باشد تعطیل میشود صاحب مکان را نیز جریمه خواهند کرد. در فرودگاه بشرط رعایت حجاب به زنان خدمات پرواز داده می شود! حاکم کردن یک سیستم آپارتاید نه فقط بر اساس جنسیت بلکه بر اساس حضور و وجود انسانهای آزاده بنیاد نهاد شده رامیخواهند بر جامعه تحمیل کنند!

و همه این دست و پا زدنها و کف چرانی ها نه از سر قدرت که در نهایت ضعف و حقارت و بی افقی است که در میان همه افشار حکومتی به وضوح خود را نشان میدهد. سراسیمگی خامنه ای در اثبات اینکه حجاب قانون است و باید رعایت شود، حجاب از اصول دین است باید رعایت شود تا استیصال قالیباف و درخواست از قوه قضاییه برای تسهیل برخورد به بیحجابی تا بکارگماردن "رادان" همراه با گسیل جمعی لمپن افسارگسیخته و آتش به اختیار، همگی نشان از یک واقعیت دارد جمهوری اسلامی در مقابل مصافی قرار گرفته که

در طی 44 سال گذشته بیسابقه بوده است.



آمده اند و ابایی از تهدیدات و تمهیدات جنایتکاران حکومتی ندارند. جمهوری اسلامی امروز با نسلی روبروست که چهار دهه تلاش برای اسلامیزه کردن جامعه را با آتش زدن حجاب به خاکستر تبدیل کرد. این نسل پرشور، نسل امثال مهسا، نیکا و سارینا و ... همه مقدسات پوسیده شما را به گور خواهند سپرد.

ملکه عزتی

۱۳ آوریل ۲۰۲۳

نامه سپیده قلیان در پاسخ به سخنگوی قوه قضائی «به نام خداوند رنگین کمان»



کشته ندادیم که سازش کنیم! تنها چهار ساعت از خروج از زندان اوین گذشته بود و تنها چهار ساعت شاهد خیابان پس از «زن، زندگی، آزادی» بودم. هنوز حتی نصف مسیر تا خانه را هم طی نکرده بودم، که در جاده بازداشت شدم و روانه‌ی بازداشتگاه بند ۲۰۹ اوین شدم. در این فاصله‌ی کوتاه از هیچ تحقیر و آزاری برای من کم نگذاشتند. شدیداً ضرب و شتم شدم. به قول خودشان «خرکش» کردند. مردی در راهروی «۲۰۹» مرا تهدید به تجاوز کرد. گفت دست و پایت را می‌بندیم و حسابت را خیلی خوب می‌رسیم. و راستش ابعاد «حسابرسی» از چند ده هزار بازداشتی جنیش

«زن، زندگی، آزادی»، هم در تاریکخانه‌ی جنایات چهار دهه‌ی اخیر جای ویژه‌ای دارد و هم در روند دادخواهی... اما آنچه روشن است: عهد ما، اما هنوز پایرجاست. «آزادی» نه دادنی، که گرفتنی است و من، سپیده قلیان، بر سر عهدی که با مردم جان به لب رسیده‌ی ایران بسته‌ام ایستاده‌ام: من در دادگاه فرمایشی، به ریاست کسی که حکم اعدام انقلابیون را امضا کرده نمی‌روم و هیچ مشروعی نی‌ه برای دادگاه‌های فرمایشی و نمایشی‌شان و نه برای حکم صادره قائل نیستم و به صراحت اعلام می‌کنم، تا حکومت اعدام اسلامی بر سر کار است، و مادام که «کاشفان فروتن چشمه» و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی و دادگاه‌های فرمایشی و ناعادلانه هستند، در هیچ دادگاهی شرکت نخواهم کرد... به امید سرنگونی ضحاک زمانه.»

سپیده قلیان بند زنان زندان اوین

محمد حسینی

آگه کشیدم بالا، نذارید فراموش بشم.



نامه همبندی محمد حسینی از زندان

سید عاشق بود، به مهربونی و معرفت با همه رفتار می‌کرد.

ظرف‌ها رو جمع می‌کرد و می‌شست.

بهش می‌گفتم: داداش نکن اینکارو.

می‌گفت: من بدون پدر و مادر و با سختی بزرگ شدم، کسی رو نداشتم و همیشه خودم کارهام رو انجام دادم و کار کردن رو دوست دارم.

انقدر باعشق بود بدون اینکه وظیفه‌ش باشه دستشویی‌ها رو می‌شست و ته سیگارها رو جارو می‌کرد و تو صف دکه همیشه صف رو مرتب می‌کرد.

خوش صحبت و خنده‌رو بود.

جوری دستت رو می‌گرفت که انگار صد ساله می‌شناسدت.

حتی اگر بهش بی‌احترامی می‌شد باز هم حرف بدی نمی‌زد.

صبح روز جمعه ۱۶ آدی همه خواب بودن، سید داشت

دستشویی رو می‌شست.

رفتم اونجا و با هم حرف زدیم.

بهش گفتم نمی‌ترسی؟ گفت: نه اونجوری، من چیزی برای از دست دادن ندارم.

کل زندگیم پول بهش خونه‌ست که اونم زنگ زده بود و گفته

بود، صاحب خونه بده به دوستش که حکم خانواده‌ش رو

داشت.

می‌گفت: آگه کشیدم بالا هیچ وقت نذار فراموش بشم.

تو رو خدا بخاطر ما کاری نکنید که براتون بد بشه، اعتصاب

نکنید که اذیتتون کنن.

راه رو ادامه بدین و حواست به بچه‌ها باشه.

#محمد_حسینی

#جمهوری_اعدام



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



تبعیض و خشونت که به در خانه تا خیابان و محیط کار به زنان روا میشود بازده یک فقر وسیع اقتصادی، عدم آموزش و عدم بهداشت و درمان، عدم امنیت در زندگی خصوصی، در محیط کار و در جامعه ای میلیتاریزه شده، در کنار یک سیستم مذهبی پوسیده چون دین اسلام میباشد. مسبب اصلی آن همان سیستم سرمایه داریست که طبقه کارگر و خانواده هایشان را به همراه کودکان و زنان هر روزه به سلاخی و بردگی کار میکشاند. اگر جوانان مرد در

جامعه به جای اینکه خواهران و همسران خود را کمک کنند تا به کمبودهایشان فایده گردند میروند و قاتل عزیزانشان میشوند بخاطر دو نیروی مخرب و زن ستیز مانند مذهب و سرمایه داریست که از نفاق انسانها سود میبرد، مخترع جداسازی ها و پاسدار سرسخت آنند. ایجاد رقابت و دشمنی میان اقشار اجتماعی، میان زن و مرد، شکاف سازی و جنگ از نعمتهایی ست که مذهب و سیستم سرمایه داری را از بدو تاسیس و پیدایششان سرپا ننگه داشته است. در جامعه ای که هیچ آموزشی برای جوانان نیست اما تا دل بخواهد عمده بسر از بلندگوها میگویند که زن جن و جادوگر است و باید آنها را به بردگی کشاند انتظار امنیت برای زنان صفر است. پولهای هنگفت ۴۴ سال از حاکمیت رژیم صرف اشاعه زن ستیزی شده و جای یک آموزش مدرن و سکولار و برابری طلبانه همواره در میان جوانان، در مدارس خالی بوده است.

این طیف وسیع زنان و جوانان جبهه کارگرانند، تکه تکه و بی هویتمان کرده اند و به جای آن اسمهای کاذبی را بر ما گذاشته اند که انگار کارگر از جنس ما نیست، اینرا سرمایه داران طی سالها از طریق سیاستمداران، از طریق اقتصاددانان ثوریک و از طریق دکترین کل جامعه به ما حقنه کرده اند. اما خیزش شش ماهه گذشته دریچه ای بسوی روشننگری همگانی شد. راهی برای اینکه همدیگر را باز یابیم، یکی شویم و ضمن اینکه خواستههای مشخص و ویژه تری را برای رفع تبعیض و خشونت، مردسالاری و اعمال قوانین پوسیده اسلامی و مردسالاری مطرح و برای آنها مبارزه میکنیم برای براندازی کل سیستم سرمایه داری و زیرو بن کردن بنای بردگی کار مزدی در یک جبهه به عنوان یک پیکر واحد در جبهه کارگران میجنگیم.

ما زنان در این جهان، در سرزمینی که زندگی میکنیم مهمان نیستیم. ما خود صاحبخانه ایم! ما نه خواستار صدقه و ترحم بلکه مدعی و سازنده و رهبر جامعه خود هستیم. بنابراین در این روز بعد از آن موقعیت تاریخی- سیاسی که زنان و دختران جوانان در سراسر ایران از خود نشان دادند در جبهه کارگری وظایف عاجلی را بر دوش داریم. صفهای زنان در حلقه های مختلط با مردان، با شعارهای محکم خواست کارگران، زنان، و با شعار آزادی، برابری، حکومت شورایی! آغازیست برای یک تغییر بنیادی که اینهمه سال بدنبال آن بوده ایم. میدانیم که اوباشان را به خیابان ها میریزند اما نیروی متحده ما در خیابانها آنها را فراری خواهد داد. ادعانامه سوسیالیستی ما برای براندازی سرمایه داری، برای برپایی شوراها کافیست که در کف خیابانها با صدای رسا خوانده شود تا دل ترسوی دشمنان طبقه کارگر را به لرزه در آورد.



همبستگی با روز جهانی کارگر مهم است اما کافی نیست!

ملاله طاهری

هر ساله در آستانه اول ماه مه تلاش کارگران و متحدین آنها برای برگزاری باشکوه روز کارگر در ایران با مصیبت برگزار میگردد چرا که سرکوب رژیم وقتی به مبارزات کارگری و زنان میرسد سر به نهایت میزند و جالب اینکه هرگز نتوانستند جلو اعتراضات را بگیرند. همیشه راهی بوده و هست که نیروهای انتظامی و اوباشان مسلح را به زله درآورند. امسال با سالهای قبل بسیار متفاوت است طوری که روز کارگر را میتواند به فراتر از تلاشهای هر ساله پرتاب کند. انتظاراتی چون براه انداختن اعتراضات وسیع و برگزاری مراسمهای سیاسی تنها در گرو توانایی و تشخیص درست رهبران عملی در محل است. باضافه این نکته که یک اردویی از نیروی جوان، زنان، مردم معترض و خشمگین، معلمان و پرستاران و بخش وسیعی دیگر که هیچ امیدی به بهبودی زندگی در این جهنم جمهوری اسلامی ندارند میتوانند و در کنارشان هستند. مسلما در بخشهای سازمان یافته تر تشکلهای و مجامع مخفی کارگری به همه این ظرفیتهای موجود فکر شده است.

روز کارگر امسال در آستانه تحولات مهمی در جهان و بویژه در ایران برگزار میشود. در اینسوی جهان از جمله فرانسه و انگلستان اعتراضات وسیعی از کارگران به همراه دیگر اقشار کم درآمد و زنان و جوانان براه افتاده است و هر روز بیشتر و بیشتر رادیکالیزه میگردد. ارتعاش سرود انترناسیونال خیابانهای پاریس و شهرهای بزرگ فرانسه را در این روزها لرزاند. بسیاری حتی آنرا به فراموشی سپرده بودند اما کف خیابانها جوانان و کارگران آنرا دوباره ورد زبان کردند. در انگلستان ما شاهد اعتصابات پی در پی کارگران، پزشکان و پرستاران، رانندگان قطار و اتوبوس هستیم. دولت انگلیس مردم را به ریاضت اقتصادی دعوت میکند اما در کف خیابانها کارگران، جوانان، زنان، حقوق بگیران کم درآمد حرف دیگری میزنند که سی سال پیش در انگلیس کارگران در مقابل تاجر فریاد میزدند.

هفت ماه از انقلاب زنان و جنبش همگانی در ایران میگذرد و حماسه های مقاومت زنان، جوانان و محصلین شجاع، کارگران همچنان ادامه دارد. به قدمت همه این سالها کارگران با همان حداقل تشکلهای و محافلی که سازمان داده اند اعتراضات پی در پی را سازمان داده و همواره در جدال با کارفرمایان و دولت بودند. اعتصابات و پیکت و اعتراضات آنها لیستی طولانیست، که این همه سال به خاطر آن دستگیر شدند و در زندان ماندند، اما همیشه در میدان نبرد مانده اند.

معمولا گفته میشه که امروز روز کارگران است و همبستگی با کارگران و خواسته هایشان امر ما هم هست. اما این استدلال دقیقی برای همه به یکسان نیست. امروز همچنین روز ما زنان هم هست، دانشجویان و محصلین، پرستاران و دکتر و معلم و رفت گر، کارگران بیکار دور میدان و زنان خانه دار، مادران تنهای بیکار و یا با کار نیمه وقت که شکم فرزندانیشان را پر میکنند همه در صفوف کارگری جای دارند. کسی هست که منکر شود زن خانه داری که تمام روز دو برابر همسرکارگرش در خانه برای کل خانواده جان میکند کارگر نیست؟ دختران جوان دانشجویی که برای ادامه تحصیل بجای استراحت در رستورانها و کارهای شیفت شبانه روزی برای هزینه تحصیل سخت کار میکنند، یا جوانان تحصیل کرده ای که در میدانها هر روز تا عصر در میدان به دنبال کار هستند و سرافکنده به خانه برمیگردند کارگر نیستند؟ آنهمه مردمی که بی خانمان شده و بدنبال لقمه ای نان به گدایی و حتی کارهای غیر انسانی و شاق تن میدهند کارگر نیستند؟

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



الذکر، جا دارد به اختصار به موانع اصلی پیشروی اخذ دستمزد واقعی طبقه کارگر ایران هم اشاره شود تا در پرتو آن نقاط ضعف و قوت آن آشکار و عیان گردد.

الف- تعیین دستمزد واقعی کارگران هر ساله به تناسب (نرخ تورم و تناسب بارآوری کار) که بتواند حداقل زندگی یک خانواده ۴ نفری را تأمین کند، مشخص میشود. تعیین دستمزد کارگر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، همواره فاقد ارزش و اعتبار قانون جهان سرمایه بوده و هست. چون در واقع کارگر بمعنای صاحب اصلی فروش کالای خود یعنی «نیروی کار خود»، هیچ نقش و جایگاهی در تعیین فروش کالای خود را ندارد. چون در عالم واقع طبقه کارگر در ایران فاقد هر نوع تشکل یابی و اعتصاب کردن است و اجازه ندارد برای دفاع از منافع طبقاتی خود سازمان و تشکل متبوع خود را ایجاد کند تا از طریق آن در برابر کارفرما و نهاد های رنگا رنگ بورژوازی از خود دفاع نماید. بهمین خاطر، نمایندگان واقعی طبقه کارگر ایران، در تعیین دستمزد سالانه کارگر هیچ نقشی ایفا نمیکند.

ب- در همه کشور های سرمایه داری، تولید و توزیع ثروت جامعه در دست بورژوازی است. و بر مبنای نیز تعیین دستمزد یا حداقل دستمزد طبقه کارگر هم سالانه توسط نمایندگان اصلی سرمایه داران و تا حدودی کارگران تعیین میشود. اما در کشوری چون ایران، جمهوری اسلامی برای به انقیاد کشاندن طبقه کارگر و ایجاد تفرقه و چند دستگی بین آنها همواره به فاکتور های متعددی متوصل میشود که یکی از آنها تعیین دستمزد کارگر است که سالانه توسط نهاد های کارفرمایی بورژوازی که یکی از آنها «شورای عالی کار» نام دارد، تعیین و به کارگران اعلام میشود.

ت- در سیستم حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، بخشی از تأمین زندگی کارگر همانا «دستمزد غیر نقدی» است که کارگر را به سطح زندگی برده وار عصر عتیق بر میگرداند و آنرا تنزل میدهد. با توجه به آن، دستمزد غیر نقدی یک برخورد ارتجاعی به طبقه کارگر است که با استاندارد امروز حتی جهان سرمایه هیچ نوع سازگاری و خوانایی ندارد.

ث- بورژوازی و کارفرما های متعدد و رنگا رنگ اش هنگام تعیین دستمزد سالانه کارگر، در مرکز و محل کار کارگران مثل سارق سر بیرون میاورند و تحت نام «انعطاف پذیری»، دستمزد کارگر را، با اسم های مشخص به بخشهای مختلف تقسیم میکنند تا بدینوسیله نشان دهند که سطح دستمزد کارگر را بالا میبرند تا از این طریق سطح معیشت کارگر را بهبود ببخشند. برای نمونه، واژه دستمزد را به «مزد، مزد مینا، مزایا، حق عایله مندی و غیره غیره»، تقسیم میکنند تا نشان دهند یا بفریبند با کم کردن و بالا بردن هر یک از بخشها که زیرشان خط تأکید کشیده ام، دستمزد کارگر را افزایش داده اند. ولی در عالم واقع حاصل این اسم گذاری و این تقسیم بندی، به چیزی غیر از کم کردن دستمزد سالانه کارگر تبدیل نمی شود. برای نمونه، «نهاد شورای عالی کار بورژوازی ایران»، اعلام کرده است: که دستمزد سالانه طبقه کارگر ایران، در سال ۱۴۰۲، بیست و هفت درصد افزایش یافته است! و نرخ تورم میدانی هم سر به فلک کشیده و به ۷۰ درصد رسیده است. در صورتیکه این افزایش

کمونیسیت می پرسد

از عبدالله دارابی و همایون گدازگر

در مورد دستمزد

کمونیسیت: طبق مصوبه نهاد کارفرمایی «شورای عالی کار» دستمزد کارگران با ۲۷ درصد افزایش در سال ۱۴۰۲ برای خانواده ۴ نفری با مزایا ۸ میلیون و ۲۰۸ هزار اعلام شد. با تورم و گرانی لجام گسیخته که روزانه تغییر می کند و تورم میدانی ۷۰ درصدی، این افزایش دستمزد چه دردی از کارگران دوا می کند در شرایطی که همین درجه از قانون کار ضد کارگری به میلیونها کارگر تعلق نمی گیرد. این وضعیت را چگونه می بینید.

عبدالله دارابی: کاش داستان فلسفه وجودی کارگر به عنوان یک انسان، نحوه زندگی کردنش، و بویژه ماجرای واقعی دستمزد اش که موضوع اصلی بحث کنونی را تشکیل میدهد و... به سادگی سؤال فوق میبود که، اشاره میکند «افزایش دستمزد امسال کارگران نسبت به سال قبل ۲۷ درصد افزایش پیدا کرده و...»، اگر این ادعای رژیم واقعیت داشت، آنگاه کارگران در بستر اصلی آن می توانستند برای دستیابی به افزایش دستمزد مورد نظرشان در مقابل سرمایه داران و کارفرما بایستند و آنرا از حلقوم شان در بیاورند و بوسیله آن زندگی مشقت بارشان را زره ای تغییر میدادند.

ولی اصل موضوع بمراتب فرا تر از آن است، چون داستان زندگی کارگران و رهایی آنان از این وضعیت فلاکتبار صرفا با اخذ دستمزد در ازای فروش نیروی کار کارگر بمثابة یک کالا، بجایی نخواهد رسید، و دستیابی به دستمزد نسبتا استاندارد نظام سرمایه امروز جهان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مثل بقیه عرصه دیگر زندگی مردم، نا ممکن و غیر قابل اصلاح است. چون قبل از مساله دستمزد، حمله به شأن و هویت انسانی کارگر و تحقیر و بی حرمت کردن آن در اولویت کار رژیم بوده و هست تا در پرتو آن همواره کارگر ضعیف النفس، در موقیت تحقیر شده و بی اراده را در مقابل خود داشته باشد. برای اجرا و هموار کردن این سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی، تا کنون پول هنگفتی خرج نیروهای آدمکش سازمان یافته کرده، تا پیکر جامعه را غرق خون کنند و بوسیله آن موانع زیادی در برابر پیشروی مبارزات حق طلبانه کارگران، زنان، و همه آزادیخواهان جامعه ایجاد گردد.

صدور فتوا حق به جانب «خمیی، علیه طبقه کارگر و جامعه انقلابی ایران که گفت «اقتصاد» مال خر است»، تئوری و چراغ راهنمای اتخاذ همین سیاست ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم بود که ماحصل تا کنونی آن صد هزار کشته و میلیون ها زخمی و زندانی از خود بجای گذاشته است. مضافا بر آن، بر مبنای فتوای دروغین و بی پایه این آدم خرفت، ده ها میلیون خانواده کارگری را در اعماق فقر و نداری و گرسنگی و وضعیت بسیار بد زندگی غرق کرده اند. طبقه کارگر ایران، بخاطر نقش و جایگاه ای که در عرصه تولید دارد، از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیوقفه متحمل درد و زنج خارق العاده شده تا در پس آن لام تا کام از زندگی شایسته انسانی مردم ایران لب نگشاید و آنرا به خواست و الگوی بی اما و اگر جامعه ایران و جهان تبدیل نکند. ولی از قرار معلوم سیاستهای رژیم در این زمینه به سنگ خورده و با شکست مفتضحانه مواجه شده است. ولی علیرغم نکات فوق



دلیل تعیین حداقل دستمزد توسط عالی کار همواره با اعتراض کارگران روبرو بوده است.

در شرایط کنونی جامعه ایران که گرمای خیزش انقلابی ۷ ماه گذشته تعادل قوا بین مردم معترض و جمهوری اسلامی را در شرایط تازه تری قرار داده است، بدیهی است که عرصه اعتراض علیه دستمزد مصوب رژیم هم از این شرایط تاثیر بپذیرد. شرایط به گونه ای است که خانه کارگر خود رژیم هم برای مهار کردن اعتراضات کارگری بلافاصله جلو افتاده است و ضمن اعتراض اظهار داشته است که دستمزد مصوبه اخیر غیر قانونی و باطل است. البته خانه ضد کارگر رژیم را کارگران بخوبی می شناسند و می دانند در واقع برای مهار عصیان کارگران و در بردن رژیم از زیر ضرب اعتراضات کارگران و مردم خشمگین جامعه به چنین موضع فریبکارانه ای روی آورده است.

اما موضوع اعتراض به دستمزدی که برپایه یک سوم تورم واقعی تعیین شده است خیلی روشن است. شورای عالی کار رژیم شرایطی حداقل دستمزد کارگران را بر مبنای تورم ۲۷ درصدی تعیین کرده است که نرخ واقعی آن حدود ۷۰ درصد است. در واقع این حقه بازی آشکار نه با نرخ واقعی تورم و نه با سبد معیشت کارگران هیچ خوانایی ای ندارد.

این حقایق را همه کارگران میدانند. همه واقفند که با اقتصاد ورشکسته و داغان رژیم در طی سال جاری وضع بدتر از این هم خواهد شد. گرانی سربه فلک خواهد کشید و قدرت خرید کارگران پایین تر خواهد آمد. ۷ میلیون و ۳۰۸ هزار تومان که شامل تمام مزایای مربوط به کارگران است، اگر با نرخ دلار محاسبه شود، نصف دستمزد سال گذشته است. در واقع جمهوری اسلامی برای تامین بودجه نیروهای سرکوبگر و دستگاه خرافه و ترویج ارتجاع از سفره کارگران هزینه کرده است.

همه این بدیهیات روزانه ضربدر تنفر و انزجار از جمهوری اسلامی و توازن قوایی که تعرض انقلابی اخیر به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، همگی بما میگویند که شرایط برای یک تعرض همه جانبه از طرف کارگران علیه دستمزد مصوب کنونی و علیه تحمیل زندگی مشقت بار یک امکان واقعی است.

با بهره گیری از این شرایط و تعادل قوا بود که نخستین اعتراض در روز دوم فروردین از طرف بازنشستگان و کارگران در شهر شوش انجام شد و بدنبال آن دیگر تشکلهای مستقل آن را محکوم کردند. سندیکای شرکت واحد، کارگران هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از جمله پیشقراولان اعتراض به مصوبه دستمزد شورای عالی کار رژیم بودند.

اما اگر نامه وشکایت و نوشتن طومارهای همیشگی با شرایط کنونی متناسب نیست، این درجه از اعتراضات تاکنونی هم برای عقب راندن رژیم کافی نیست. رهبران و پیشروان کارگری بخصوص در مراکز بزرگ باید ب فکر اعتراض قدرتمندتر و توده ای کارگران باشند. اکنون توهم پراکنی و عوامفریبی عوامل رژیم نقش سابق را ندارد. همچنین حقوق های معوقه و بیکارسازیها زمینه مادی برای بسیج نیروی بیشتر علیه ارزان فروشی و تحمیل

کمونست می پرسد

از عبدالله دارابی و همایون گدازگر

در مورد دستمزد

نرخ تورم بیش از ۵۰ درصدی را ضرب در بالا رفتن قیمت روزانه نرخ کالا مصرفی مردم کنید... دستمزد امسال کارگران نه تنها افزایش پیدا نکرده است بلکه سیر نزولی دارد و بمراتب کمتر از سال قبل نیز میباشد! بهمین خاطر تأکید میشود که، طبقه بندی کردن دستمزد و تکه تکه کردن چیزی غیر از کم کردن دستمزد بحساب نمی آید.

در نهایت امر باید بر این نکته واقف بود که نکات فوق الذکر در چوارچوب قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته، ولی هنوز که هنوز است شامل حال میلیونها کارگر نمیشود. با وجود همه اینها، از مضمون این بحث نتیجه می گیریم که، طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی راجع به مساله دستمزد، باید آشکار و عریان خود را از طبقه بندی مشاغل، دریافت دستمزد غیر نقدی، اضافه کاری، دستمزد معوقه، و خیلی موارد دیگر بدور بگیرد و با مبارزه جدی و پیگیر خود همه آنها را به عقب براند و بجای اینها، رو دستمزد پایه یا دستمزد نقدی، ساعت کار روزانه و... فوکوس نماید و با نجات یافتن از این پراکنده کاری، از طریق اتحاد و همبستگی تام وتمام راه را بسوی اتحاد و تشکل یابی هموار ساخت، و در بستر آن راه را برای سرنوشتی قطعی رژیم هموار ساخت.

عبدالله دارابی ۱۳ آوریل ۲۰۲۳

کمونست : امسال کارگران علیه دستمزد مصوب شورای عالی کار، در هفت تپه و همچنین بازنشستگان در شوش و مقابل مجلس دست به اعتراض زدند و زمزمه اعتراضات بیشتر به گوش می رسد. بنظر می رسد که امسال کارگران به نوشتن نامه و شکایت و صدور اطلاعیه و غیره اکتفا نمی کنند. آیا امکان شکل گیری جنبشی وسیع علیه مصوبه شورای عالی کار در شرایط متحول کنونی وجود دارد؟

همایون گدازگر :

کارگران هزار دلیل واقعی برای اعتراض به این سقف خفت بار دستمزد دارند، یعنی در واقع مدتهای طولانی است که راهی جز اعتراض برایشان باقی نمانده است. عرصه اعتراض علیه دستمزدهای تحمیلی شورای عالی کار جمهوری اسلامی کاروتین و هرساله کارگران در آخر هر سال است. خود کارگران که فروشنده نیروی کار خود در ۳۶۵ روز سال هستند هیچ اراده ای در این تصمیم گیری سرنوشت ساز ندارند. خود این عوامفریبی رژیم در ۴ دهه گذشته، موضوع اعتراض پیشروان طبقه کارگر ایران بوده است.

در طول حیات حاکمیت رژیم اسلامی ترفند افزایش حداقل دستمزد در واقع حمله به معیشت کارگران و پایین آوردن استاندارد های زندگی و قدرت خرید آنها بوده است. بهمین

کمونیسیت می پرسد

از عبدالله دارابی و همایون گدازگرد مورد دستمزد

دستمزد زیر فقر توسط جمهوری اسلامی است. در جامعه در حال غلیان ایران که هر لحظه انتظار انفجار بخشهایی از جامعه علیه جمهوری اسلامی می رود، کارگران باید با سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگری مطالبات اقتصادی و دستمزد متناسب با تورم موجود و تامین معیشت خانواده خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند.

در اول ماه مه پیش رو اعتراض به دستمزد تحقیر آمیز مصوب شورای عالی کار باید یکی از مطالبات کارگران برای بسیج و سازماندهی توده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی باشد.

همایون گدازگرد

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیسیت

تهاجم رژیم اسلامی به زنان، تهاجم به کل جامعه است

این تهاجم را درهم بشکنیم

بعد از فرمان آتش به اختیار خامنه ای علیه زنان، احمدرضا رادان، فرمانده کل نیروی انتظامی رژیم جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۹ فروردین اعلام کرد، کسانی که در معابر عمومی، خودرو یا اماکن تجاری کشف حجاب کنند، شناسایی می شوند، در مرحله اول به آن‌ها تذکر داده می شود و در مرحله دوم با اسناد و مدارک به قوه قضائیه معرفی می شوند. حسین شریعتمداری به عنوان مدیر مسئول و نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان نیز پدیده کشف حجاب را یک پدیده امنیتی اعلام کرد. به دنبال این تهدیدات دستگاه پلیس و نیروهای امنیتی در همکاری و همدستی با رسانه های اجبر در تلاش هستند که با هر حيله و نیرنگی شده بخشی از مردم عادی را به همکاری با نهادهای حکومتی جهت مقابله با زنان بی حجاب وادار کنند. فرمانده نیروی انتظامی به صاحبان صنوف هشدار داده است که «در صورت عدم رعایت حجاب اجباری از سوی متصدیان شان، ابتدا تذکر و اخطار پلمب دریافت خواهند کرد و در نهایت، پلمب می شوند.» موج جدید حملات شیمیایی به مدارس دخترانه بخشی از این تهاجم گسترده به زندگی زنان است.

سازماندهی این ضد حمله و تهاجم گسترده به زنان و دختران دانش آموز برای جبران شکست و ترمیم پایه های ایدئولوژیک حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است که با تعرض زنان و دور افکندن حجاب و روسری ها و سوزاندن آن در کف خیابان به لوزه درآمده است. حق با شریعتمداری این حلقه بگوش خامنه ای است، با کشف حجاب و سوزاندن روسری ها امنیت جمهوری اسلامی به مخاطره افتاده است. اگر چه زنان مبارز و آزاده ایران از همان فردای به قدرت رسیدن ضدانقلاب اسلامی در محیط خانواده و عرصه های مختلف حیات اجتماعی با قوانین اسلامی و زن ستیز و فرهنگ مردسالارانه در افتادند و یک پای اصلی خیزش های انقلابی و جنبش های پیشرو اجتماعی در دو دهه اخیر بوده اند، اما در جنبش انقلابی جاری با نقش پیشتازی که ایفا کردند آشکارتر از همیشه ارکان سیاسی و ایدئولوژیک رژیم را مورد تعرض قرار دادند. زنان آزاده در دانشگاه و مدرسه و خیابان با به زمین افکندن حجاب و روسری و سوزاندن آن کل فضای سیاسی جامعه و حتی افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار دادند. این دستاورد جنبش رهایی زنان، این میزان از آزادی که به دست آورده اند فقط مختص به زنان نیست، این از دستاوردهای جنبش آزادیخواهی در ایران است، مربوط به کل جامعه است، بنابراین همه جنبش های پیشرو اجتماعی، همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در برابر این تهاجم گسترده رژیم اسلامی به زنان باید از زنان و حقوق انسانی آنان به دفاع برخیزند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیسیت اعلام می کند که این تهاجم گسترده به زنان و مدارس دخترانه و به جامعه را فقط با برپایی و سازماندهی یک جنبش اعتراض توده ای می توان در هم شکست. نباید زنان آزاده ایران را در برابر این تهاجم و افسارگسیختگی ضدانقلاب اسلامی تنها گذاشت. نباید مقابله با این تهاجم به حقوق انسانی و زندگی زنان را فقط به مقاومت و زنان در مکانهای کنترل شده با دوربین های هوشمند و در محاصره آتش به اختیاران محول کرد. اگر چه دفاع میدانی و تنها نگذاشتن زنان در هر مکانی امر انسانی و اخلاقی همه مردان و زنان آزاده است، اما مقابله با این یورش گستاخانه به دستاوردهای جنبش انقلابی ژینا امر حیاتی جنبش کارگری و همه جنبش های پیشرو اجتماعی است. باید محیط های کار و دانشگاه و مدرسه و خیابان را به میدان مبارزه و تعرض متقابل برای در هم شکستن تهاجم علیه زنان آزاده ایران تبدیل کرد. دستاورد زنان در جنبش انقلابی ژینا که برای آن جان ها، و چشم ها داده اند فقط به زنان تعلق ندارد، به همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، به همه انسانهای تحت ستم حکومت اسلامی سرمایه داران تعلق دارد، برای دفاع از این دستاورد و برای در هم شکستن تهاجم رژیم اسلامی بیا خیزیم. در هم شکستن این تهاجم در گرو هر چه توده ای تر کردن و سازمانیافته تر کردن و سراسری تر کردن اعتراضات علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی است.

رهایی زنان، رهایی جامعه است!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیسیت

۱۲ آوریل ۲۰۲۳ - ۲۳ فروردین ۱۴۰۲

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیسیت، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیسیت ایران، حزب کمونیسیت کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

مرگ بر سرمایه داری!

یک درس پایه ای اول مه

سخنی با فعالین کمونیست جنبش کارگری

رحمان حسین زاده



تحت نام کارگر شاغل و بیکار و کارگر زن و مرد و پیر و جوان کارگر موقت و غیر موقت صفوف کارگران را شقه شقه میکنند. برای حفظ این نظم ظالمانه به عنوان طبقه حاکمه همچون هیئت حاکمه قدرت خود را به دست میگیرند. دولت و پارلمان و ارتش و نیروی سرکوبگر خود را سازمان میدهند. در همه دنیا دولتهای حاکم و دم و دستگاه اجرایی و قانونی و قضایی و ابزار سرکوب و زندان را در خدمت منفعت سرمایه بکار

میگیرند. مانع آگاهی و اتحاد و تشکل طبقه کارگر میشوند. از اتحاد و همبستگی طبقه ما هراس دارند. با ایجاد انواع دسته بندی کذایی ملی و مذهبی و جنسیتی و خودی و بیگانه و بومی و غیر بومی صف انسان مزد بگیر را شقه شقه میکنند. تلاش سبعانه و روزمره طبقه سرمایه دارو دولتهای حامی برای تحمیل کمترین دستمزد و پایین ترین مزایای اجتماعی و رفاهی، ندادن بیمه بیکاری و عدم تامین شغلی از اخلاق بد سرمایه داران نیست، بلکه جزو ملزومات ذاتی کسب سود و سرمایه است. باید توضیح داد که هر درجه از بهبود در شرایط کار و زندگی در دنیا و اروپا و ایران، گام به گام حاصل مبارزات کارگری و جانفشانی و قربانی دادن برای بهبودی در شرایط سخت زندگی است. باید نشان داد در مقابل حرکت آگاهانه و متحد و منسجم سرمایه داران، طبقه کارگر نیز باید با آگاهی و روشن بینی و متحد و متشکل به میدان آیدو تشکل توده ای خود را داشته باشد.

حزب کمونیستی و اجتماعی خود را داشته باشد. راه پایان دادن به استثمار و تبعیض موجود، راه پایان دادن به شرایط سخت کار و زندگی، و هر بهبودی در حیات روزمره کارگران و راه پایان دادن به نظم موجود طبقاتی و دنیای وارونه موجود، این واقعیت را تاکید میکند که کارگران هم باید منفعت خود را در برنامه و پلانتهای روشن بیان کنند. صف متحد و متشکل را حول آن سازمان دهند. اعلام کنند طبقه ای همسرنوشت هستند. دسته بندیهای ساختگی ملی و مذهبی و جنسیتی و شغلی و صنفی و بیکار و غیر بیکار را به رسمیت نمی شناسند.

اعلام کنند پیکره ای واحد چه در مبارزه برای روز مزد و همه مطالبات فوری و چه برای کسب قدرت و به زیر کشیدن سرمایه داری هستند. این حقیقت پایه ای را دوباره باید تاکید کرد، طبقه کارگر هم باید سرمایه و دولت سرمایه داری را به زیر بکشد و خود به مثابه قدرت و دولت کارگری اعمال حاکمیت کند. باید اعلام کرد وارونگی دنیای کنونی را تنها با پایان دادن به کار مزدی و استثمار کارگر و پایان دادن به نظم طبقاتی و هر نوع تبعیض و نابرابری و با استقرار جامعه کمونیستی میتوان ممکن کرد.

واقعیت اینست بخش زیادی از توده کارگر به روشنی تمایز طبقاتی و اجتماعی خود را با طبقه سرمایه دارو حامیان آن نمی شناسد. علل شرایط سخت زندگی و استثمار شدید خود و راه پایان دادن به آن را نمیدانند. این واقعیت تلخ اهرم فشار جدی است که سرمایه داران نیروی طبقه خود ما را علیه بخش آگاه آن بکار میگیرند. از همین حالا و در هر فرصت و جمعی به مناسبت اول مه در کارخانه و محل کار، در خانواده و محل زندگی، در مرادوات اجتماعی با انسانهای دردمند در این جامعه، در دانشگاه و مدرسه هر کارگر آگاه و هر فرد و جریان کمونیست باید حامل پیام آگاهانه روز کارگر باشد. لازمست با توجه به امکانات و شرایط فعالیتی انبوه ادبیات سوسیالیستی و کارگری از مانیفست کمونیست و برنامه دنیای بهتر گرفته تا سخنرانیها و بیانیه های رهبران کمونیست، تا اطلاعیه و پیامهای مهم را به دست کارگران و مردم تحت ستم رساند.

باید صحبت کرد، تبلیغ کرد و آژیتاسیون و آگاهگری

اول مه روز جهانی کارگر تنها یک آکسیون در یک روزمعین نیست. البته تردیدی نیست آکسیون و میتینگ علنی کارگران در این روز یک خصلت اساسی و ضروری روز جهانی کارگر و باید تلاش کرد به هر میزان که تناسب قوا اجازه میدهد، جشن و اجتماعات بزرگ و مستقل و علنی اول مه را برگزار کرد. در مطلب بعدی برجایگاه مهم میتینگهای پرجمعیت در گرامیداشت اول مه فوکوس میکنیم. اما در این مطلب نکته من اینست هر درجه تلاش و فعالیت برای اجتماعات بزرگ نباید یک درس پایه ای و غیر آکسیونی اول مه را به حاشیه براند. بر این درس پایه ای باید مجددا تاکید کرد.

اول مه: تعمیق آگاهی طبقاتی، گسترش همبستگی کارگری!

با نزدیک شدن اول مه هر سال و هم اکنون و امسال هم از مدتها قبل مباحثه و تعیین اقدامات معین در اول مه شروع میشود. در این مباحثات علاوه بر تعیین اقدامات برای آکسیون و میتینگ، کارگران آگاه و کمونیست و هر جریان دست اندر کار لازم است مباحثات و اقداماتی را برای معرفی هر چه موثرتر فلسفه وجودی روز کارگر و موقعیت طبقه کارگر و افشای مناسبات و وارونه نظم سرمایه داری در دستور بگذارد. اگر متوجه باشیم هنوز توده وسیعی از کارگران و انسانهای تحت ستم و استثمار به شناخت بیشتری از ماهیت و کارکرد نظم ظالمانه سرمایه داری نیاز دارند، آنوقت لازم است این آگاهی را به میان توده وسیع کارگران برد که نظم موجود طبقاتی، نظم سرمایه از کجا مایه گرفته است؟ باید نشان داد که چرا نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت و جنگ، همه و همه محصولات گریز ناپذیر این نظامند.

کمتر مناسبیتی هست که همانند روز کارگر بتواند دو دنیای متفاوت جامعه انسانی را از هم تفکیک شده و متمایز نشان دهد. دنیایی متعلق به اکثریت عظیم انسان کارگر و مردم تحت ستم و دنیای متعلق به اقلیت انگل استثمارگر سرمایه دار. در دنیای وارونه کنونی حیات و ادامه زندگی روزمره آحاد طبقه کارگر و خانواده های کارگری در همه جای دنیا به فروش نیروی کار، به کار روزمره و تن دادن به استثمار و تبعیض موجود گره خورده و و عینا ادامه حیات طبقه سرمایه دارو آحاد آن به کار کارگر و خریدن نیروی کار کارگر گره خورده است.

با بیان و نوشته رسا لازمست وارونگی این مناسبات را نشان داد که دو طبقه متضاد و دشمن طبقاتی از یک طرف لازم و ملزوم همدیگر از طرف دیگر در تضاد و کشمکش مداوم با هم بسر میبرند. لازمست نشان داد که چرا طبقه کارگر گورکن نظم سرمایه داری است. لازمست راه پایان دادن به این وارونگی و گذاشتن دنیا بر قاعده اش را توضیح داد. روز جهانی کارگر به روشنی نشان میدهد که این دو طبقه در سراسرجهان نه تنها هیچ منفعت مشترکی ندارند، بلکه منافع آنها در مقابل هم است. برای طبقه انگل سرمایه دار ایجاد مساعدترین شرایط کسب سود و سرمایه، تحمیل سخت ترین و بدترین شرایط کار و زندگی به کارگران است.

میخواهند کارگران به هر قیمت و ارزانترین قیمت تن به کار بدهند، به این منظور بیکاری را دامن میزنند، و لشکر بیکاران را بالای سر کارگر میگیرند. میخواهند کارگر متحد نباشد، تفرقه ایجاد میکنند و

یک درس پایه ای اول مه

سخنی با فعالین کمونیست جنبش کارگری

کرد. اگر توانسته باشیم در این فرصت در محیط پیرامون به گسترش آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی و به نزدیک کردن و متحد کردن کارگران و مردم تحت استثمار و ستم کمک کرده باشیم، درس پایه ای اول مه را به میان کارگران و به جامعه منتقل کرده ایم. همین شاخص موفقیت بزرگ در گرمی داشت اول مه میتواند باشد.

طبیعی است متینگها و اجتماعات اول مه بر متن کار آگاهگرانه و فشرده آنچنانی بازده بسیار موثری خواهند داشت. در مطلب بعدی به جایگاه جشن و اجتماعات کارگری در اول مه امسال میپردازم.

چهاردهم آوریل ۲۰۲۳

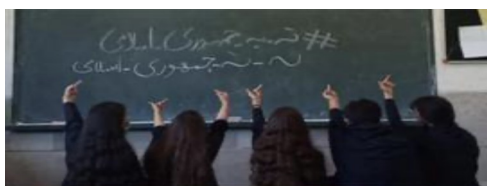
بهبودی عاجل دارد. ما همچنین از تمام احزاب و نهادها و تشکل‌های آزادیخواه تقاضا داریم، علیه این کردار فاشیستی جمهوری اسلامی که کمر به نابودی شهروندان خود گرفته صدای اعتراض خود را بلند کنند. کسی منکر نیست که زنده ماندن مردم در گرو به زیر کشیدن این رژیم است

زنده باد مبارزه سازمان‌یافته و متحدانه مردم انقلابی.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۱ فروردین ۱۴۰۲

۱۰ آوریل ۲۰۲۳



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در

مورد

ادامه مسمومیت زنجیره ای مدارس توسط

جمهوری اسلامی

روز شنبه ۱۹ فروردین در دیواندره و متعاقب آن در روز یکشنبه ۲۰ فروردین در شهر سقز چندین مدرسه در این دو شهر مورد حمله شیمیایی عوامل جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت. همچنین امروز دوشنبه در شهرهای سنندج و کرج و خوی چند مدرسه دیگر مورد حمله باندهای جنایتکار خامنه‌ای قرار گرفت. تنها در شهر دیواندره و سقز دهها دانش آموز مسموم شدند که حال چندتن از آنها وخیم گزارش شده است.

زنان و مردان مبارز و خشمگین در شهرهای دیواندره و بویژه سقز ضمن تعرض و فراری دادن نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، بدرست خامنه‌ای و رژیم جنایتکار او را مسبب اصلی این جنایت دانسته و مردم انقلابی را برای اعتراض و اعتصاب بویژه شهر فراخواندند و امروز این شهر در حالت تعطیل بود.

رژیم سرکوبگر اسلامی با این اقدامات فاشیستی و رها کردن وحوش آتش به اختیار علیه زنان و مدارس در تلاش مذبوحانه برای نگهداشتن حاکمیت ضربه خورده خود دست و پای می زند. این اعمال تبهکارانه جمهوری اسلامی به حق از جانب ملیونها انسان عاصی از حکومت اسلامی مورد تنفر و بیزاری قرار گرفته است و باید بصورت سراسری پاسخ درخور خود را بگیرد.

مردم مبارز کردستان! جوانان انقلابی! مادران، پدران و خواهر و برادران دانش‌آموزان!

علیه این عمل شنیع و ضد بشری جمهوری اسلامی ساکت ننشینید. با استفاده از درس‌های خیزش انقلابی اخیر علیه حکومت جنایتکار اسلامی خود را سازمان دهید و به میدان بیاوید و مردم شهرهای کردستان را به اعتراض، تظاهرات و اعتصاب فراخوانید. لازم است مردم مبارز دیگر شهرهای کردستان ضمن پشتیبانی از مردم مبارز سقز و دیواندره، بهر طریق ممکن، جمهوری اسلامی را برای جوابگویی به این جنایات تحت فشار بگذارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ضمن همدردی با خانواده و بستگان مجروحین، برای قربانیان این جنایت هولناک آرزوی

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

اسکاندال "دالایی لاما" با یک پسر بچه

سعید یکانه



و ضد مذهبی با نقش آفرینی زنان علیه یکی از هارترین و وحشیترین آنان یعنی حاکمیت اسلامی سیاسی در ایران هستیم که می رود نه تنها بساط اسلام سیاسی را در ایران جارو کند ، که تشعشع آن درجه روشنی را به روی خاورمیانه باز خواهد کرد. بشریت متمدن که از خیزش انقلابی مردم در ایران و نقش و قهرمانی بخصوص زنان در مقابل نظام وحوش اسلامی به وجد آمده اند ، همانهایی هستند که از رفتار کودک آزاری دالایی لاما و ازبها دادن به رهبران بی مقدار و پدوفیل و سیاستهای دول غرب، دربها دادن به مذهب و جریانات مذهبی بیزار هستند.



رسانه های جهان در پی پخش ویدیویی از دالایی لاما رهبر بودایی از یک مراسم مذهبی در حال بوسیدن لب های یک پسر بچه انعکاس وسیعی یافته است. در این ویدیو دالایی لاما را نشان می دهد که زبانش را بیرون می آورد و از پسر بچه می خواهد که زبانش را بکشد. تعدادی ابله امثال خودش در این مراسم برایش کف می زنند و میخندند. این رفتار رهبر پدوفیل مذهبی با این پسر بچه به حق با اعتراض بشریت متمدن در رسانه ها و مدیای اجتماعی روبرو شده و اعتراض و نفرت عظیمی را نسبت به رفتار غیر انسانی او با این پسر بچه را دامن زده است. دالایی لاما طی اطلاعیه ای از خانواده این کودک و دوستانش عذر خواهی می کند و اظهار پشیمای کرده است. اطرافیانش برای حفظ حرمت رهبر احمقشان توجیه می تراشند. با این حال اعتراض به برخورد شنیع این الدنگ مذهبی در رسانه ها موج می زند.

دالایی لاما که در انظار عموم و جلو دوربینها دست به چنین اعمال شنیع و مشمئز کننده با این پسر بچه می زند معلم نیست دربارگاه و کلاسهای درس بودایی این رهبر پدوفیل در تجاوز علیه کودکان و مریدانش چه اعمال و جنایتی صورت می گیرد. این رفتار تجاوزکارانه به این کودک مختص دالایی لاما نیست. در کلاسهای درس مذهبی ، همچون کلاس قرآن "سعید طوسی" قاری محبوب و عشق سید علی شیمیایی افشا شد که چه جنایتی علیه کودکان صورت گرفت. این رفتار نامتعادل و پدوفیلی مختص همه مذاهب و تماما به این مربوط است که تمام مذاهب و رهبران آنان ضد کودک، زد زن و بی آزارترین آنان مثل این الدنگ که به مهربانی و صلح طلب مشهور است تا مغز استخوان ضد کودک و ضد زن و خرافات پرور هستند. بارها اسکاندالهای بزرگ در کلیساهای کاتولیک و افشای تجاوز به کودکان در کلیساهای در رسانه ها افشا و برملا شده است و دلایی لاما کم آزارترین آنها در انظار عموم است. این شخصیت واقعی دالایی لاما است. هر چه تا کنون بارش کرده اند و در افکار عمومی از او چنین شخصیتی ساختند دروغ و غیر واقعی است.

دالایی لاما در سال ۱۹۵۹ پس از شکست قیام علیه حاکمیت چین در تبت به عنوان یک جدایی طلب به هند گریخت و آنجا پناهنده شد. در اواسط دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ جنبشی مسلحانه تبتی و جدایی طلبانه علیه حاکمیت چین شکل گرفت و توسط سازمان سیای آمریکا حمایت مالی و لجستیکی شد و بعد از شکست این جنبش دالایی لاما توسط سازمان سیای آمریکا به هند منتقل شد. دلایی لاما تنها رهبر مذهبی نبود بلکه به یک سیاستمدار تبدیلش کردند، همچنانکه خمینی را با اهداف معینی در دوره جنگ سرد در زورق پیچیدند و به عنوان رهبر انقلاب به جامعه ایران حفته کردند.

دالایی لاما به فراموشی سپرده شد ، اما آنچه دالایی لاما را به عرش اعلا برد نه قهرمانی و صلح طلبی او ، بلکه نتیجه و محصول جنگ سرد و تقابل سرمایه داری جهانی ، نتیجه سیاست دول غربی و در راس آن آمریکا علیه رقبای خودش از جمله چین بود. اواز سازمان سیای حمایت شد ، پول دریافت کرد. او بر جسته شد و به عنوان رهبر مذهبی مهربان و خوش قلب که برای صلح می کوشد جایزه نوبل نیز دریافت کرد.

تاریخ چهار دهه گذشته با پایان جنگ سرد، تاریخ باد دادن مذهب و قوم گرایی و لجن اسلامی و تروریسم اسلامی توسط دول غربی در اقصی نقاط جهان به رهبری آمریکا در تقابل با رشد ازادخواهی و چپ گرایی و افکار سوسیالیستی است. برای آن پولهای هنگفتی هزینه شد ، دروغ پردازی شد ، جنگ قومی و مذهبی راه انداختند تا بر دنیا تسلط پیدا کنند. دالایی لاما محصول آن است ، خمینی کپک زده و طالبان و داعش نیز عصاره همین سیاست که بدینوسیله خاورمیانه را به لجزار اسلام و تروریست اسلامی تبدیل کرده اند.

در دوره ای که مذهب و اسلامی سیاسی را با حمایتهای گسترده مالی و سیاسی ابراز مقابله با جنبش های آزادیخواهی و سوسیالیستی تبدیل کرده و جامعه بخصوص خاورمیانه را به میدان تاخت و تاز جریانات اسلامی و نوریستی تبدیل کرده اند ، اکنون در ایران شاهد خیزشی انقلابی عظیم

آیسا اسداللهی، معلم، مترجم سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و فعال کارگری برای برگزاری دادگاه در تاریخ ۲۷ فروردین به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری احضار شد.

اسداللهی روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۱ به همراه تعدادی از مدافعین حقوق معلمان و کارگران دستگیر شده بود. او بیش از سه ماه در بند انفرادی بازداشتگاه ۲۰۹ محبوس بود و ۲۹ مرداد ماه ۱۳۰۲ با قرار وثیقه دو میلیارد تومانی به طور موقت آزاد شد.

آیسا اسداللهی روزنامه نگار که روز ۶ آبان ۱۳۰۱ توسط اطلاعات سپاه بازداشت بازداشت شده بود. برای برگزاری دادگاه در تاریخ ۲۹ فروردین به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب احضار شده است.

وحیدیان یکماه در بازداشت بود و اکنون با اتهام "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی" به دادگاه احضار شده است.

گازنداران سیاسی آزاد باید کرد. مرگ بر جمهوری جنایتکار اسلامی

آیسا اسداللهی و مریم وحیدیان

به دادگاه احضار شدند.



یادداشتها

سیاوش دانشور

تهدیدهای شکست خورده پاسدار // رادان در جنگ // حجاب

احمدرضا رادان از فاسدترین عناصر سرکوبگر معرف حضورتان هست. رادان که پرونده سیاهی در خشونت علیه زنان و جوانان دارد و در روشهای کثیف و تحقیر آمیز و خشن شهره است، بعنوان آخرین کارت حکومت جلو افتاده تا از این هفته شنبه ۲۶ فروردین بی حجابی را جمع کند. رادان برای خیابان و معابر، درون ماشین ها، اماکن اعم از آموزشی و اداری و خدماتی و تجاری، دستور اکید داده که با حضور نیروی انتظامی به جنگ بی حجابی بیایند.

پیامک زیر از تمهیداتی است که برای هر دانش آموز ارسال شده است. مشابه این پیامک ها توسط نهادها و ارگانهای مختلف برای کارکنان همه جا ارسال شده است.

رادان ها و ارتش ولگرد ضد زن تا آخوندها و خامنه ای در راس نظام، از این تهدیدات و تمهیدات زیاد داشتند، اما در هر دوره ای عقب رفتند و به امروز رسیدند. عقل معیوب رادان درک نمیکنند که دوره ای تمام شده است و دیگر زنان جنگ و دندان نشان دادن امثال رادان را با تعرض و تنبیه مشایعت می کنند. این جنگ آخرتان را هم بکنید. نه راه پس دارید نه راه پیش. سیاست جنگ دائم با زنان البته هویت شماست اما در یکی از همین پیچ ها زمین تان میزند.

#حجاب بی حجاب

#علی شیمیایی

#ایران آشوبتس همیشه

#حکومت بچه کش نمیخوایم

۱۱ آوریل ۲۰۲۳

به // معلمان و // اولیای دانش آموزان

اقدام درخوری ضرایا واکنش تاکنونی معلمان و فرهنگیان در قبال #حملات شیمیایی سریالی کافی است؟ یکبار معلمان اعلام کردند که دانش آموز //خط قرمز ماست، حرف منطقی و مربوطی بود. اما #تروریست ها هر روز این خط قرمز را رد می کنند و شما متاسفانه تاکنون واکنش درخوری نشان ندادید.

معلمان عزیز //اعتراض درخوری ضروری است. این تعرض به محیط فرهنگ و آموزش و حرمت معلم هم هست. شما والدین دانش آموزان در مدرسه هستید. شما فرهنگیان عزیز انتظار دارید جوانان و نوجوانان کدام درس را در این دوره مشخص از شما بیاموزند؟ #درس تسلیم یا //درس مقاومت و اعتراض؟

مدرسه را تبدیل به //اتاق گاز کرده اند. تجارب //فاشیسم را روی جان و سلامت کودکان ما تست می کنند. دارند ما را به این حملات عادت میدهند. مدرسه دیگر برای دانش آموز امن نیست. معلم در این میان وظیفه دارد در صف مقدم واکنش نشان دهد. اولیای دانش آموز باید در کنار معلمان علیه این وضعیت بطور جدی اعتراض کند.

#علی شیمیایی

#ایران آشوبتس همیشه

#حکومت بچه کش نمیخوایم

#حجاب بی حجاب

۱۱ آوریل ۲۰۲۳

کمپین // کودک کشی جمهوری اسلامی حملات شیمیایی ادامه دارد



امروز سه شنبه ۲۲ فروردین تا ساعت ۱۲ ظهر مدرسه دخترانه منوچهر انصاری و دبستان پسرانه امیرکبیر در #شاهین شهر، مدرسه انقلاب اسلامی در #تبریز، دبیرستان دخترانه شایان در #اصفهان، مدارس زینب و عترت و حجاب در //بندرگناوه، دبیرستان دخترانه سیاوش ویژه ای در //کرامانشاه، دبیرستان دخترانه خدیجه کبری در //اشنویه، دبیرستان دخترانه فاطمه زهرا و دبستان دخترانه فهمیده در //کامیاران هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند.

طی این حملات دهها دانش آموز مسموم و به بیمارستان منتقل شدند. حمله کنندگان در حمایت کامل نیروهای امنیتی بدون بجا گذاشتن ردپایی همه سالم به پایگاه های خود بازگشتند تا برای حملات بعداظر امروز آماده شوند. مرگ یک کودک دانش آموز اهل کامیاران به نام //کارو پشادادی از دستاوردهای این حملات در هفته گذشته بود.

#ایران آشوبتس همیشه

#حکومت بچه کش نمیخوایم

#حجاب بی حجاب

۱۱ آوریل ۲۰۲۳

در سال نو // علی شیمیایی برگشته است

امروز تا این ساعت مدرسی در سندرچ و سقر مورد حملات شیمیایی قرار گرفته است. در سه شنبه و چهارشنبه مدارس دیگری در ارومیه، پیرانشهر، تبریز و اصفهان مورد هجوم قرار گرفتند.

حمله کنندگان از کرات دیگر و مریخ نیامدند. دولتهای دیگر نیستند. کار آمریکا نیست، سرنخ دست خود خامنه ای و آخوند دایناسورهای موسوم به «مراجع» است. این خود //علی شیمیایی است که به طریق اعلام شده دانش آموزان ضد حجاب را تنبیه میکند. خامنه ای را باید بجرم #جنایت جمعی علیه بشریت محاکمه کرد.

حمله و حتی کشتار با سلاح های شیمیایی و میکروبی پاسخ حکومت به اعتراض برحق علیه اسلام و حجاب است. برای اینکه جامعه را وادار به پذیرش حجاب اسلامی کنند، برای فرزندان و کودکان ما اتاق گاز فاشیستها را راه انداخته اند. //هیترلر اسلامی در تهران مستقر است. صنایع نظامی سپاه مشغول تولید انواع سلاحهای شیمیایی و میکروبی علیه مردم هستند.

امروز //سقر انقلابی واکنش خوبی نشان داد. همه جا بدون تردید و بدون تلف کردن وقت باید تهاجم به حکومت، به بانیان حملات شیمیایی، در دستور قرار گیرد. اینها فقط یک زبان را می فهمند و آن زبان زور است. جواب هر حمله را با دهها حمله ابتکاری بدهیم.

#بیو تروریسم

#جنایت جمعی

#انقلاب ۱۴۰۱

۹ آوریل ۲۰۲۳

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

تداوم مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس کشور

در هفته ای که گذشت به چندین مدرسه دخترانه حمله شیمیایی شده است. براساس خبرها مدرسه‌های دخترانه‌ی معراج در اردبیل و مدرسه‌ی دخترانه‌ی فدک در نقده، مدرسه‌ی دخترانه‌ی هاجر در هفتکل خوزستان و مدرسه‌ی دخترانه‌ی خیام در پردیس، مدرسه بهمنی چهارراه عباس آباد و مدرسه جماران واقع در خیابان اکباتان مدرسه‌ی دخترانه‌ی فرزنانگان در سنندج، دبیرستان دخترانه فاطمه زهرا و دبستان دخترانه فهمیده شهر کامیاران، مدرسه انقلاب اسلامی در تبریز، مدارس زینب و عترت و حجاب در گناوه، دبیرستان دخترانه سیاوش ویژه ای در کرمانشاه، مدرسه دخترانه منوچهر انصاری، دبستان پسرانه امیرکبیر و مدرسه دخترانه شایان در اصفهان، مدرسه دخترانه صدر کرج، دبیرستان دخترانه نرگس شهرستان خوی، دبستان سعدی و فرزنانگان در ارومیه و مدرسه‌ی دخترانه‌ی بنت‌الهدی در تهران جزو مدارس هستند که با گاز شیمیایی به آنها حمله شده است. در جریان حملات شیمیایی به مدارس، دست‌کم ۴۷ دانش‌آموز به بیمارستان شهر سقز منتقل شده‌اند که وضعیت بیش از ۲۰ نفر از آنها وخیم گزارش شده است.

در پی حملات شیمیایی و مسمومیت دانشموزان مدارس دخترانه سقز، روز یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ مردم و والدین نسبت به این موضوع واکنش نشان داده و اعتراض خود را با سر دادن مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی در یکی از مدارس پرچم جمهوری اسلامی را پائین کشیده و به آتش زدند. هر چند این اعتراضات با وحشیگری نیروهای سرکوب نظامی-امنیتی حکومت مواجه شد، در عین حال موجب تقویت روحیه مبارزاتی مردم شده و در مواردی مزدوران امنیتی رژیم را فراری دادند.

دوشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۲ اخبار منتشر شده حاکی از اعتصاب کسبه و مغازه‌داران شهر سقز در اعتراض به حملات شیمیایی به دانش‌آموزان در مدارس بود.

اعتصاب کارگران پروژه‌های منطقه ویژه پتروشیمی سلمان فارسی

روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ کارگران پروژه‌های شاغل در مخازن گروی واقع در منطقه ویژه پتروشیمی سلمان فارسی در سربندر که در استخدام پیمانکاری ایرج کیوانی هستند در اعتراض به عدم افزایش دستمزد بر اساس خواست کارگران دست به اعتصاب زده و کارگاه را تخلیه کردند.

کارگران پروژه‌های پیشتر از طریق مدیریت کمپین مرکزی خود اعلام کرده بودند که خواستار افزایش دستمزد به میزان ۵۲ درصد می‌باشند و در صورت عدم افزایش دستمزد به میزان خواست کارگران، دست به اعتصاب سراسری خواهند زد.

تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه

روز یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ جمعی از کارگران هفت تپه و بازنشستگان شهر شوش، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و مزد تعیین شده توسط شورای ضد کارگری عالی کارمقابل فرمانداری شوش دست به تجمع زدند و فعالین کارگری در مورد خواسته‌ها و مطالبات سخنرانی کردند.

تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی ماهشهر

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، کارگران اخراجی شرکت لوله سازی

ماهشهر مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتراض زدند. مدیران شرکت لوله سازی بندر ماهشهر، پنج فروردین ماه اقدام به اخراج ۱۲۴ نفر از کارگران این شرکت نموده‌اند.

شرکت لوله سازی بندر ماهشهر پیش از این نیز بارها کارکنان و کارگران خود را اخراج کرده بود.

تجمع و اعتراض کارگران شرکت پاراپلاستیک

روز شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۲، جمعی از کارگران شاغل در شرکت پاراپلاستیک واقع در شهرستان جلفا تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران، ضمن توقف انجام و کار فعالیت و برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان آن شرکت، نسبت پرداخت نشدن معوقات مزدی و حق اضافه کاری آنها ابراز اعتراض کردند.

تجمع اپراتورهای برق منطقه‌ای مقابل استانداری خوزستان

روز یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ جمعی از اپراتورهای فشار قوی برق منطقه‌ای خوزستان مقابل استانداری این استان تجمع کردند. اپراتورهای برق منطقه‌ای خوزستان خواستار پرداخت مطالبات خود، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و لغو اجرای تبصره‌ی ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری برای خود شدند.

این کارگران درباره مطالبات خود می‌گویند: پایان سال ۱۴۰۱ برخلاف سنوات گذشته، پاداش پایان سال به ما پرداخت نشد؛ هر سال حداقل به اندازه‌ی یک ماه حقوقی پاداش پایان سال داشتیم؛ مساله بعدی، طرح طبقه‌بندی مشاغل اپراتورهاست که چهار سال تمام است به نتیجه نرسیده.

آنان خواسته بعدی را لغو اجرای تبصره‌ی ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری برای اپراتورهای برق فشار قوی می‌دانند؛ تبصره‌ای که می‌گوید حقوق کارگران وزارتخانه‌ها نباید بیش از ۱/۲ حقوق کارمندان باشد. آنها اضافه می‌کنند: یکی دیگر از مشکلات اپراتورها، اضافه کار اجباری تحمیلی توسط کارفرما در سال‌های اخیر است؛ ما خواستار اصلاح نوبت‌کاری و شیفت‌کاری بر اساس تصریحات قانون کار هستیم.

تجمع کارکنان شرکت کنترل ترافیک

روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین تجمع اعتراضی کارکنان از ساعت ۱۱ صبح در محل ساختمان اصلی شرکت کنترل ترافیک آغاز شد، سپس کارکنان شرکت در مجمع عمومی کارکنان مشارکت نموده و ضمن اعلام اعتراض عمومی کارکنان خواستار پیگیری موضوع شده و در پایان آن بیانیه مشترک کارکنان که حاوی اشکالات قانونی مکاتبه منتشر شده در خصوص واگذاری ماموریت‌های شرکت بود و همچنین پافشاری بر مطالبات کارکنان در خصوص امنیت شغلی ایشان، به امضای مشترک کارکنان شرکت کنترل ترافیک رسید و مقرر گردید کارکنان شرکت تا زمان رسیدن به نتیجه و ابطال آن از تمامی ظرفیت‌های خود استفاده نمایند.

تجمع اعتراضی معلمان در سراسر کشور

روز پنجشنبه ۱۷ فروردین طبق فراخان از قبل اعلام شده انجمن صنفی معلمان و گروه پیگیری مطالبات صنفی و قانونی فرهنگیان شاغل و بازنشسته، معلمان و فرهنگیان در سراسر کشور در مقابل ادارات آموزش و پرورش استانها و در تهران مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برپا نمودند. معلمان به وضعیت معیشت، مواد

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

تجمع اعتراضی پرستاران و پرسنل اورژانس ۱۱۵ مشهد

روز شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۲ پرستاران و پرسنل اورژانس ۱۱۵ مشهد در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات معیشتی مجدداً مقابل استانداری خراسان رضوی دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در سراسر کشور

یکشنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ بازنشستگان منطقه مخابرات استان خوزستان در مقابل ستاد مخابرات اهواز دست به تجمع زدند. در تهران نیز بازنشستگان مخابرات تهران مقابل ساختمان وزارت ارتباطات تجمع کردند. این تجمعات به صورت هماهنگ در سایر استانها از جمله قم، لرستان، همدان، خراسان، کردستان، مرکزی، آذربایجان شرقی، اصفهان، کرمانشاه و یزد نیز قابل اداره مخابرات استانها انجام شد. حقوق بازنشستگان کفاف هزینه ده روز زندگی عادی آنها نیست، از اینرو زندگی بازنشستگان چندین پله زیر خط فقر قرار دارد. بازنشستگان اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌های معیشتی و سلامتی‌شان از پای نخواهند نشست!

راهپیمایی و تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز

روز یکشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی اهواز در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به خواست و مطالباتشان مجدداً در مقابل اداره کل تامین اجتماعی خوزستان در اهواز دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین ماه مجدداً در مقابل اداره کل تامین اجتماعی خوزستان در اهواز دست به تجمع زده و سپس تا میدان فرهنگ این شهر در سطح خیابان‌ها همراه با سردادن شعار علیه تبض خود راهپیمایی کردند.

تجمع دانشجویان در اعتراض به تهدید و سرکوب حراست به بهانه حجاب در دانشگاه بهشتی

با بازگشت دانشجویان به دانشگاه‌ها، تذکر و تهدید حراست در خصوص رعایت حجاب گسترده‌تر شده است. بنا بر اخبار واصله در دانشگاه بهشتی پس از جمع‌آوری میز و صندلی کتابخانه دانشگاه و محروم کردن دانشجویان از فضای مطالعه مشترک، این بار حراست دانشگاه در اقدامی عجیب به دانشجویان دختری که شال بر سر داشته‌اند تذکر داده و مقنعه هدیه می‌دهد!

همچنین گفته می‌شود حراست مانع از حضور دانشجویان در آلاچیق‌های دانشگاه شده است. دانشجویان علی‌رغم فشار و سرکوب مداوم حراست، روز ۱۹ فروردین تجمع کردند و شعار «نه روسری، نه توسری، ازادی و برابری» (سر دادند).

شانزده دانشجوی علوم پزشکی تبریز به دلیل اعتراض به حملات شیمیایی به دانش آموزان از تحصیل محروم شدند

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، حداقل ۱۶ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز با رای شورای بدوی کمیته انضباطی دانشگاه به اتهام ایجاد شرکت در بلوا و آشوب، به تعلیق از تحصیل به مدت یک یا دو ترم محکوم شدند. این احکام به علت اعتراض ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ دانشجویان علوم پزشکی تبریز به روند مسمومیت گسترده و چند ماهه دانش آموزان صادر شدند!

احکام دانشجویان به شرح زیر می‌باشد:

الف) محرومیت از تحصیل به مدت دو نیم سال برای ۶ نفر از دانشجویان علوم پزشکی تبریز

ب) محرومیت از تحصیل به مدت یک نیم سال برای ۱۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی تبریز

ج) احکام ۱۰ نفر از دانشجویان برای رسیدگی به شورای مرکزی انضباطی وزارت بهداشت ارسال شده که امکان صدور احکام بلندمدت تعلیق از تحصیل (سه ترم یا بیشتر) برای این دانشجویان وجود دارد!

چاه فاضلاب در قزوین جان ۲ کارگر را گرفت

روز پنجشنبه ۱۷ فروردین دو نفر از کارگران رسمی نیروگاه رجایی به علت گازگرفتگی در یک حلقه چاه فاضلاب در "کوندج" جان خود را از دست دادند. در این حادثه دو نفر از کارگران رسمی نیروگاه در حال انجام کار و حین باز نمودن فاضلاب بوده، که متأسفانه دچار گاز گرفتگی شده و پس از حضور عوامل و بیرون آوردن فوت کرده بودند.

فریبا زندکری می از معلمان سندج بازداشت شد

شامگاه چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ فریبا زندکری می ۳۵ ساله و از معلمان قراردادی اداره آموزش و پرورش سندج، پس از احضار به اداره اطلاعات این شهر بازداشت شده است. بنابر این گزارش، نیروهای اداره اطلاعات پس از بازداشت فریبا زندکری می به منزل وی هجوم برده و اقدام به تفتیش منزل ایشان نموده‌اند. تاکنون اطلاع دقیقی از دلایل بازداشت، سرنوشت و محل نگهداری فریبا زندکری می در دسترس نیست و پیگیری‌های خانواده‌اش بی‌نتیجه مانده است.

پدر حمیدرضا روحی دستگیر و به زندان اوین منتقل شد

علی روحی پدر حمیدرضا روحی که بعد از تجمعات روز چهارشنبه شانزده اردیبهشت به مناسبت سالروز تولد فرزندش دستگیر شده بود به زندان اوین منتقل شده است. تعداد دیگری از اعضای این خانواده نیز احضار شده‌اند. علی روحی، پدر حمیدرضا روحی در سالگرد زادروز فرزندش در صفحه اینستاگرام خود نوشته بود: «شب تولدت جشنی برپاست، برای تولد دوباره‌ات، که میزبانش حمیدرضا و مهمانش خداست. جشنی که سبزی رنگ چشمانت رنگ آسمان سپاه ایران را کنار زده.»

او نیز مانند هزاران شهروند دیگر ایرانی دادخواه خون عزیزش است که مأموران سرکوبگر حق حیات را از او گرفتند.

رپوده شدن ژینا مدرس‌گرگی فعال حقوق زنان توسط نیروهای حکومتی

ژینا مدرس‌گرگی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان اهل سندج، برای دومین بار در چند ماهه گذشته توسط نیروهای اداره اطلاعات رپوده شد و به مکان نامعلومی منتقل شد.

انتقال سلیمان عبیدی، فعال صنفی معلمان به زندان سقز

روز چهارشنبه شانزدهم فروردین ماه، سلیمان عبیدی، عضو انجمن صنفی معلمان سقز پس از اتمام مراحل بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات سندج به زندان سقز منتقل شد.

محکومیت حمید مجیری در شهرستان سده اصفهان

آقای حمید مجیری دبیر ریاضی شهرستان سده با بیش از بیست و نه سال سابقه کار، بیستم مهر ۱۴۰۱ در محل کار دستگیر و به هفت ماه زندان محکوم شد. پس از پایان دوران محکومیت و آزاد شدن اخیراً هم زمان حکم سه ماه تعلیق از خدمت و رای صادره از تخلفات اداری به نامبرده ابلاغ شد. آقای حمید مجیری سال ۱۳۸۶ نیز به اتهام شرکت در مجمع شورای هماهنگی نشست کیلان به سه سال تبعید محکوم شده بود.

تونیت رامین صفرنیا وکیل معلمان مطالبه‌گر زندانی کیلان

همایش کلن

در حمایت از منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی در ایران

شنبه ۲۲ آوریل ۲۰۲۳
از ساعت ۹ تا ۱۹

شماره تلفن‌های تماس:
00491798713044
004917663461942

آدرس محل همایش بزودی به اطلاع عموم خواهد رسید

Workers of the world, unite!

May International Workers Day

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Workers-Communist Party of Iran - Hekmatist

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیدهد امیرعسگری و آرش کهر

عزیز قاسمزاده، انوش عادل‌ی و محمود صدیقی پور، جهت اجرای حکم حبس از اجرای احکام دادسرای شهرستان رشت به زندان لاکان رشت منتقل شدند.

انتقال امید شاه‌محمدی، دبیر شهرستان دیواندره برای گذراندن یک سال حبس تعزیری به زندان بیجار

شنبه در مورخه ۱۴۰۲/۱/۱۹ آقای امید شاه‌محمدی، دبیر زیست شناسی شهرستان دیواندره برای گذراندن یک سال حبس تعزیری به زندان بیجار انتقال داده شد.

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه ملتی درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین‌المللی کارگری است که برای تغییر ریشه‌ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون‌کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس‌های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی‌جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک‌های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک‌های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای و کارگری را همه‌جا ایجاد کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

saidyegane@gmail.com

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!